

## مرجع شناسی

### اهداف کلی

- ۱- آشنایی با برخی از کتب مرجع و طرز استفاده از آن‌ها.
- ۲- آشنایی با روش مراجعه به منابع و مراجع و بهره‌گیری مناسب از آن‌ها.

### اهداف جزئی

- ۱- آشنایی با طرز استفاده و استخراج معنی واژه‌ها از لغت نامه‌ها و فرهنگ‌ها.
- ۲- آشنایی با فهرست‌های کتاب‌شناسی، مقاله نامه‌ها، برگه‌های کتابداری، نقد و بررسی آثار، نشریات ادواری و طرز استفاده از آن‌ها.
- ۳- توانایی استفاده از کتاب‌های مرجع و رعایت نکات ضروری و لازم را.
- ۴- آشنایی با لغت نامه‌های عمومی و تخصصی.

### منابع

- آیین پژوهش و مرجع‌شناسی - دکتر حسن احمدی گیوی - نشر هما - تهران ۱۳۷۳.
- ادب و نگارش - دکتر حسن احمدی گیوی - نشر قطره - تهران ۱۳۷۳.
- راهنمای نگارش و ویرایش - دکتر محمد جعفر یاحقی - دکتر محمد مهدی ناصح - انتشارات آستان قدس رضوی - ۱۳۷۳.

### روش‌های تدریس پیشنهادی

- روش واحد کار
- الگوی همیاری

## نکات اساسی درس نوزدهم

- بررسی مرجع‌شناسی در مسیر پژوهش.
- تقسیم بندی چهارگانه‌ی مراجع پژوهش.
- شرح و بیان مراجع دست اول.
- شرح و بیان مراجع دست دوم.
- شرح و بیان مراجع مطالعاتی غیر کتابی.
- شرح و بیان مواد دیداری - شنیداری.
- بررسی موارد رعایت نکاتی چند در استفاده از کتاب‌های مرجع.
- آشنایی با برخی لغت‌نامه‌ها و فرهنگ‌ها و دایرةالمعارف‌ها.

□ در درس‌های پیش، با روش تحقیق و شیوه‌های آن آشنا شدیم. اینک به بررسی مرجع‌شناسی در مسیر پژوهش می‌پردازیم.

ابتدا، تعریفی از کتاب مرجع بیان کرده، روشن می‌نماییم که کتب مرجع چه نوع کتاب‌هایی هستند:

کتاب مرجع، باید پاسخ پرسش‌های بسیاری را در بر داشته باشد و در هر مورد، پاسخ مناسب را در جای خود و در درون یک ساختار منظم پیش چشم ما بیاورد و به آسانی بتوان دریافت که پاسخ مورد نظر در ردیف الفبایی یا در فصل بندی آن کتاب، کجا قرار گرفته است. کتاب مرجع کتابی است که مطالب آن با حدس و گمان و خیال و احتمال به ذهن نیامده و آنچه در اختیار ما می‌گذارد، حاصل جست و جو و مطالعه و دقت و رسیدن به امور یقینی و مقبول اهل فن است. هدف مرجع، بیان نظرهای گوناگون و بحث گسترده و سؤال آفرین نیست؛ یک «مرجع» فقط اطلاعات اصلی و بنیادی و تأیید شده را به صورت فشرده و جامع باید در اختیار خواننده بگذارد. کتاب مرجع برای مطالعه‌ی پیوسته تدوین نمی‌شود و حاوی پاسخ‌های بسیاری برای پرسش‌های گوناگون است. هنگامی به این کتب مراجعه می‌شود که یک پرسش مشخص در برابر ترتیب و تنظیم خاص، در آن بتوان یافت. آن ترتیب و تنظیم خاص به نوع و موضوع مرجع نیز بستگی دارد؛ مثلاً واژه‌نامه‌ها و دایرةالمعارف‌ها عموماً تنظیم الفبایی دارند و مرجع‌های تاریخی را به ترتیب سال‌های وقایع تنظیم می‌کنند. در کتاب‌خانه‌ها عموماً کتاب‌های مرجع را در یک بخش جدا از کتاب‌های دیگر و در نقطه‌ی دیدرس و دسترس می‌گذارند و چون مرجع‌ها مورد مراجعه‌ی مکرر و همگانی است به امانت داده نمی‌شود و فقط در درون کتاب‌خانه می‌توان از آن‌ها استفاده کرد.

مراجع پژوهش را می‌توان به چهار دسته‌ی اصلی تقسیم کرد: مراجع دست اول، مراجع دست دوم، مراجع مطالعاتی غیر کتابی، مواد دیداری - شنیداری (سمعی و بصری).

○ **مراجع دست اول:** که پژوهنده با مراجعه‌ی مستقیم به آن‌ها پاسخ پرسش خویش را می‌یابد، مانند: دایرةالمعارف، فرهنگ‌ها، واژه‌نامه‌ها، سال‌نامه‌ها، راهنماها، سرگذشت‌نامه‌ها، منابع جغرافیایی، تذکره‌ی گویندگان و غیره.

○ **مراجع دست دوم:** یا رابط که نقش واسطه دارند و از طریق آن‌ها می‌توان به منابع اصلی دست یافت. از این دسته‌اند: کتاب‌شناسی‌ها، مقاله‌نامه‌ها، فهرست‌ها یا فهرست‌نامه‌ها، چکیده‌نامه‌ها، نمایه‌ها.

مراجع دست دوم یا رابط، که نقش واسطه دارند و از طریق آن‌ها می‌توان به منابع اصلی دست یافت. از این دسته‌اند:

۱- **کتاب‌شناسی:** که در آن‌ها نام کتاب‌های چاپی رشته‌های گوناگون با نام مؤلفان و دیگر مشخصات کامل هر یک به ترتیب الفبایی یا موضوعی و جز آن تنظیم می‌شود و مراجعه به آن، جوینده را از وجود کتاب‌ها و مآخذی که پاسخگوی نیاز اوست، آگاه می‌سازد؛ مانند کتاب «فهرست کتب چاپی» تألیف آقای «خان بابامشار» در چهار مجلد و کتاب «فرهنگ کتاب‌های فارسی» تألیف آقای محمود مدبر در دو مجلد.

۲- **مقاله‌نامه‌ها:** که فهرست مقاله‌های علمی و پژوهشی سودمندی را که در مجلات و نشریات معتبر به وسیله‌ی دانشمندان و اندیشمندان و پژوهشگران در زمینه‌های گوناگون به رشته‌ی تحریر در آمده با نام نویسنده و نام نشریه و دیگر نشانه‌های بازیابی هر یک با طبقه‌بندی و به ترتیب الفبایی معرفی می‌کند. از این دست است «فهرست مقالات فارسی» ایرج افشار در سه مجلد.

۳- **فهرست‌ها یا فهرست‌نامه‌ها:** که بیشتر، کتاب‌های موجود در کتاب‌خانه یا کتاب‌خانه‌های یک دانشگاه یا مجتمع علمی و آموزشی را با اطلاعات کتاب‌شناختی و نشانه‌ی بازیابی هر کتاب به دانشجو و دانش پژوه معرفی می‌کند، مانند فهرست‌نامه‌های کتاب‌خانه‌ی مرکزی دانشگاه تهران که در چندین مجلد تنظیم یافته و معرفی کتاب‌های آن کتاب‌خانه است.

۴- **چکیده‌نامه‌ها:** که فشرده و خلاصه‌ای از محتوای کتاب را همراه با اطلاعات کتاب‌شناختی آن در بر دارد؛ مانند «خلاصه‌ی مثنوی» اثر استاد فقید بدیع الزمان فروزانفر.

۵- **نمایه‌ها:** که سیاهه‌های نام‌ها و واژه‌ها و اصطلاح‌ها و موضوعات یک کتاب و یا یک نشریه هستند که در آن‌ها پس از هر نام یا واژه، شماره‌ی صفحه یا صفحاتی که آن نام یا واژه در آن‌ها آمده است، ذکر می‌گردد که خود انواعی دارد؛ مانند نمایه‌ی نام‌های اشخاص (نام‌نامه)، نمایه‌ی اعلام

تاریخی و جغرافیایی و موضوعی و جز آن.

به طور کلی، برای استفاده از کتاب‌های مرجع چند نکته را باید رعایت کنیم:

- ۱- برای جلوگیری از اتلاف وقت، ابتدا به مقدمه‌ی این کتاب‌ها مراجعه می‌کنیم؛ زیرا شیوه‌ی استفاده و چگونگی مراجعه به این کتاب‌ها در این بخش توضیح داده می‌شود.
- ۲- نقل مطالب از این کتاب‌ها به سه شیوه انجام می‌گیرد:  
الف) نقل مستقیم (ب) نقل با تلخیص (پ) نقل به مضمون.  
در نقل مستقیم، عین متن کتاب مرجع را می‌آوریم. در نقل با تلخیص، متن را خلاصه می‌کنیم و در نقل به مضمون، معنی و مفهوم و پیام کلی متن را می‌نویسیم.
- ۳- در هر زمینه باید منابع دست اول را بشناسیم و ابتدا به آن‌ها رجوع کنیم.
- ۴- در هر کتاب‌خانه بخشی به نام «کتاب مرجع» یا «رفرنس» وجود دارد که برای یافتن انواع کتاب مرجع باید به آنها رجوع کرد.

○ **مراجع مطالعاتی غیر کتابی:** که شامل تصویرهای گوناگون، نقشه‌های جغرافیایی، کره‌ی جغرافیایی، مدل‌ها و نمونه‌های تصویری اشیاء و دستگاه‌های بدن انسان و حیوان و عکس‌های مظاهر طبیعت و بناهای تاریخی و جز آن‌هاست.

○ **مواد دیداری - شنیداری:** افزون بر آنچه ما از کتاب‌ها و تصویرها و نقشه‌ها و ... می‌آموزیم، از راه چشم و گوش نیز با مواد و ابزارهای دیگری آشنا می‌شویم و بر دانسته‌های خود می‌افزاییم که آن مواد و ابزار را «دیداری - شنیداری» یا «سمعی - بصری» می‌گوییم.  
مهم‌ترین مواد «دیداری - شنیداری»، در کتاب‌خانه‌ها عبارتند از: فیلم متحرک (فیلم سینمایی)، نوار ویدئو، اسلاید، نوار ضبط صوت، فیلم استریپ، میکروفیلم، و مجموعه‌ی رسانا (که در آن کتاب همراه فیلم و نوار ضبط صوت یا اسلاید و فیلم استریپ، روی هم یک مطلب آموزشی را عرضه می‌کنند).

**کامپیوتر:** افزون بر مراجع و منابعی که از آن‌ها سخن رفت، کامپیوتر که در همه‌ی شئون زندگی امروزی بشر راه یافته است، در پهنه‌ی کتاب‌داری و کتاب‌خانه نیز حضوری گسترده دارد و در گردش کار پژوهش کتاب‌خانه‌ای نقش فعال و سازنده بر عهده گرفته است. این پدیده‌ی پیچیده‌ی صنایع الکترونیک، با قدرت شگرف و شگفت‌انگیزی که در محاسبات و ضبط و حفظ و ذخیره‌ی دانسته‌ها و دانش‌های گوناگون و اداره‌ی روابط آن‌ها با یکدیگر دارد، تنها وسیله‌ای است که می‌تواند پاسخگوی بسیاری از نیازها و پرسش‌ها و حلال بسیاری از مشکلات پژوهندگان و کتاب‌خوانان و کتاب‌داران امروزی باشد.

## کتاب‌شناسی فرهنگ‌ها و لغت‌نامه‌ها و دایرة‌المعارف‌ها و فرهنگ‌گونه‌ها و واژه‌نامه‌ها و واژگان‌ها

در ایران در قلمرو زبان فارسی، ابوالفضل بیهقی (۵۴۴-۴۷۰ هـ. ق) و قطران تبریزی (متوفای پس از ۴۶۵ هـ. ق) و اسدی طوسی (وفات: ۴۶۵ هـ. ق) از نخستین کسانی هستند که در قرن پنجم برای بیان معنی یا معانی پاره‌ای از واژه‌ها و اصطلاح‌ها قلم زده‌اند و از این میان، فرهنگ اسدی که اولین لغت‌نامه‌ی موجود متکی به شاهد شعری است از شهرت و رواج بیشتری برخوردار گردیده و بارها تجدید چاپ شده است. در سده‌های بعد در هند و ایران و دیگر سرزمین‌ها برای زبان فارسی، فرهنگ‌های بسیاری نوشته شده و ما پیش از آن که فهرست مفصل دایرة‌المعارف‌ها و فرهنگ‌های عمومی و تخصصی فارسی و عربی و دیگر زبان‌ها را در بخش یازدهم بیاوریم، لازم می‌دانیم شماری از این مراجع را که در زبان فارسی و برای ایرانیان، شأن خاصی دارند، به صورت مستقل در سه گروه معرفی کنیم:

اول: فرهنگ‌ها و دایرة‌المعارف‌ها و لغت‌نامه‌های عمومی فارسی (اعم از فارسی به فارسی و عربی به فارسی)

۱- لغت‌نامه‌ی دهخدا: این اثر گران‌سنگ به همت محقق و دانشمند و نویسنده و طنزپرداز و شاعر و لغوی و سیاستمدار آزاده و نامی، علامه علی‌اکبر دهخدا در اواخر قرن گذشته پی افکنده شد. این رادمرد بزرگ چهل سال از عمر پربرکت خویش را با عشق توأم با نبوغ و پاتزده ساعت کار بی وقفه در شبانه روز، به مطالعه و پژوهش و فیش برداری از هزارها کتاب و رساله و مقاله و نوشته‌های دیگر وقف کرده و خود و یاران و شاگردانش حدود دو میلیون فیش برای لغت‌نامه فراهم کرده‌اند. این فیش‌ها که به قطع تقریبی ۶×۹ تهیه شده، از حیث مضمون و محتوا چند گونه است؛ چنان که:

۱- واژه بدون شاهد و توضیح معنی      ۲- واژه‌ی همراه معنی

۳- واژه‌ی همراه شاهد                      ۴- واژه‌ی همراه معنی و شاهد

۵- واژه یا پسوند همراه کلمه‌های مرکبی که از آن ساخته می‌شود... و کار اصلی و ظریف و دقیق یاران و همکاران و شاگردان استاد دهخدا همانا تنظیم آن فیش‌ها و استنباط و استخراج معنی از شواهدی بوده است که آن واژه را در بردارد.

ترتیب ضبط واژه‌ها و مدخل‌ها در لغت‌نامه، به ترتیب حروف تهجی واژه‌ها و اعلام (اسم‌های خاص) بدون تفکیک آن هاست؛ مثلاً سه کلمه‌ی «آباد»، «آبادان» و «آبادی» به دنبال هم آمده‌اند که اولی و سومی، واژه (اسم عام) و دومی، علم، یعنی اسم خاص است.

برای هر یک از واژه‌ها چند یا چندین معنی که گاه، شمار آن‌ها از ۵۰ تجاوز می‌کند همراه ده‌ها شاهد نظم و نثر معتبر فارسی به ترتیب تاریخی و نیز شماری ترکیبات فعلی و اسمی گوناگون آمده است که خود آن شواهد، علاوه بر نقش اصلی که سند و تأییدیه‌ی معانی و کاربرد واژه‌هاست، از یک سو سیر تاریخی پیدایش و رواج و رکود واژه‌ها و معنی‌های آن‌ها را نشان می‌دهد و از دیگر سو خود، گنجینه‌ی گران‌بهایی از نظم و نثر فاخر و شیوای فارسی است.

مجلد چهارم لغت نامه، مقدمه است، که در آن، گروهی از دانشمندان و استادان و همکاران علامه‌ی دهخدا مقاله‌های رسا و نغز و پرمغزی درباره‌ی ابعاد مختلف شخصیت استاد، و ارزش کار و اهمیت و ارجح لغت نامه و مضامین دیگر ادبی و تحقیقی به رشته‌ی تحریر در آورده‌اند و مجلد آخر؛ یعنی شماره‌ی ۲۲۲ تکلمه‌ی مقدمه است که حاوی فهرست اسامی مؤلفان و همکاران دیگر لغت نامه و دیگر گفتنی‌های ناگفته در مقدمه است.

لغت نامه‌ی دهخدا در آن واحد، ارزش سه گونه مرجع مهم را دارد:

اولاً: بزرگ‌ترین و کامل‌ترین فرهنگ فارسی است؛ زیرا کلیه‌ی واژه‌های مصطلح در فارس، اعم از فارسی و عربی و ترکی و روسی و انگلیسی و فرانسوی و جز آن‌ها را با معانی و ترکیبات بی‌شمار آورده است و از این حیث بر همه‌ی فرهنگ‌ها رجحان دارد؛ به عنوان مثال واژه‌ی «رفتن» را فرهنگ معین و فرهنگ نفیسی که بزرگ‌ترین و مهم‌ترین فرهنگ‌های فارسی هستند هر یک با ده معنی متفاوت آورده‌اند؛ در حالی که این واژه یا مصدر در لغت‌نامه با ۴۳ معنی و انبوهی از شواهد و ترکیبات همراه است.

ثانیاً: بزرگ‌ترین فرهنگ عربی به فارسی است؛ زیرا همه‌ی واژه‌های عربی، در بسیاری از فرهنگ‌ها و مراجع مهم عربی فوت شده است.

ثالثاً: بزرگ‌ترین دایرة‌المعارف فارسی است؛ زیرا درباره‌ی همه‌ی معارف بشری، از مباحث ادبی، علمی، فنی، تاریخی، جغرافیایی، اجتماعی، فرهنگی، مذهبی، اقتصادی و جز آن به شرح و تفصیل و توضیح پرداخته است.

در تألیف و تدوین این اثر ۲۲۲ جلدی، علاوه بر بنیان‌گذار اصلی، بیش از یک صد نفر از دانشوران و پژوهشگران و اندیشمندان ایران رنج کشیده و شرکت داشته‌اند که افتخار سی سال شاگردی آن مکتب و شرکت در تألیف ۲۴ مجلد از آن، نصیب نگارنده شده است و از میان بزرگان و مؤلفان آن، سهم و اجر چهار استاد گرانمایه، بیش از دیگران بوده است: شادروان دکتر محمد معین و استاد پروین گنابادی که به سرای باقی شتافته‌اند و آقایان دکتر سید جعفر شهیدی و دکتر سید محمد دبیر سیاقی که عمر و عزتشان فزون‌تر باد.

پس از درگذشت استاد دهخدا (سال ۱۳۳۵)، سرپرستی مؤسسه و تألیف لغت نامه تا سال ۱۳۴۵ با شاگرد و دوست وفادار و پرکار آن استاد، شادروان دکتر معین بود و از آن به بعد تا پایان کار، آقای دکتر شهیدی، شاگرد و دوست آن دو بزرگوار عهده دار این وظیفه بودند که هم اکنون نیز سرپرستی مؤسسه را دارند.

این اثر جاودانه که در حدود سال (۱۲۹۵ ش.) آغاز شده بود، جلد اول آن در سال ۱۳۲۵ در ۵۰۰ صفحه منتشر شد و جلد آخر، یعنی مجلد ۲۲۲ در ۹۷ صفحه در سال ۱۳۵۹ انتشار یافت و به این ترتیب، نخستین کار علمی دسته جمعی در ایران که با قصد قربت و خلوص نیت بنیانگذاران آغاز شده بود، بانیم قرن تلاش و پژوهش و عشق استاد دهخدا و یاران و شاگردانش به بار نشست و پایان گرفت.

**۲- دایرةالمعارف فارسی:** بعد از لغت نامه‌ی دهخدا مهم‌ترین مرجع در این قلمرو، دایرةالمعارف فارسی است که به همت و زیر نظر استاد و دانشمند فقید، دکتر غلامحسین مصاحب، به همکاری گروهی از دانشمندان و پژوهشگران در سه مجلد بزرگ در سال‌های اخیر چاپ شده، ولی جلد سوم آن هنوز توزیع نگردیده است.

شادروان دکتر مصاحب و همکارانش در تألیف این اثر ارجمند، کوشش و زحمت و دقت ستایش انگیزی به کار بسته و با استفاده از آخرین و پیشرفته‌ترین شیوه‌های فرهنگ نویسی، هدیه‌ی گران‌بهایی به گنجینه‌ی زبان و ادب و فرهنگ ایران ارزانی داشته‌اند.

**۳- فرهنگ فارسی معین:** مؤلف این فرهنگ شش جلدی ارزنده، استاد و محقق و لغت‌شناس نامی فقید، روان شاد دکتر محمد معین (۱۳۵۰ - ۱۲۹۸ ش.) است.

دکتر معین طرح تألیف ده‌ها فرهنگ را در سه گروه در دست داشت:

الف) فرهنگ‌های عمومی که قرار بود در ۶ سطح (مشروح، بزرگ، متوسط، کوچک، مختصر، جیبی) تألیف شود که فرهنگ حاضر، فرهنگ متوسط آن طرح است. چهار جلد نخستین این فرهنگ، حاوی لغات و اصطلاحات و دو جلد آخر آن، شامل اعلام است.

ب) فرهنگ‌های اختصاصی مربوط به زبان و ادب فارسی، مانند فرهنگ ریشه‌شناسی، فرهنگ دستوری و املائی و ...

پ) فرهنگ‌های موضوعی مانند فرهنگ عروض فارسی، فرهنگ طبیعی، فرهنگ پزشکی، شیمی، فیزیک و جز آن‌ها.

افسوس که از آن همه طرح، تنها این فرهنگ را که ضرورت و سودمندتر می‌دانست آغاز کرد، آن هم در نیمه راه از پای نشست و تکمیل و طبع نیمه‌ی دوم فرهنگ را شاگرد و دوست باوفا و

صدیقش آقای دکتر سید جعفر شهیدی سرپرستی و نظارت کرد. این اثر پس از لغت نامه‌ی دهخدا و دایرةالمعارف فارسی با ارزش‌ترین فرهنگ‌های فارسی است.

۴- لغت نامه‌ی فارسی: این اثر، فرهنگ لغت بسیار مفصلی است که به‌وسیله‌ی گروهی از مؤلفان لغت نامه‌ی دهخدا زیر نظر دو یار وفادار استاد دهخدا و دکتر معین؛ یعنی آقایان دکتر شهیدی و دکتر دبیر سیاقی آغاز شده است.

هیأت مؤلفان این لغت نامه عبارتند از: آقایان دکتر شهیدی، دکتر دبیر سیاقی، عباس دیوشلی، دکتر حسن انوری، دکتر سعید نجفی اسداللهی، دکتر رسول شایسته و حسن احمدی گیوی، که آقای دکتر محمد رضا مصطفوی نیز همکاری و همراهی محدودی با مؤلفان داشته‌اند.

مؤلفان این لغت نامه با استفاده از تجارب ممتدّ خود و بهره‌گیری از آخرین روش‌های فرهنگ‌نویسی، آن را در سه یا چهار سطح و قطع منتشر می‌سازند:

الف) قطع رحلی بزرگ، همراه شواهد فراوان از همه‌ی متون نظم و نثر معتبر جدید و قدیم؛ یعنی از آثار رودکی و بلعمی و ... تا ملک الشعراى بهار و سید محمد علی جمال زاده و ... که از لغت‌نامه‌ی دهخدا مفصل‌تر است.

ب) قطع وزیری، با حذف شواهد نظم و نثر.

پ) قطع رقعی، با حذف شواهد نظم و نثر همه‌ی ترکیبات اسمی و فعلی.

ت) قطع رقعی کوچک، که در نظر است با معانی مصطلح و رایج همگانی به صورت بسیار فشرده و خلاصه باشد و بتواند نیاز محصلین را برطرف سازد.

تاکنون (سال ۱۳۷۰) از قطع بزرگ این لغت‌نامه ۱۱ جلد، از قطع متوسط ۹ جلد و از قطع رقعی یک جلد به‌وسیله‌ی مؤسّسات لغت نامه‌ی دهخدا منتشر شده و به چاپ سوم رسیده است.

اگر این لغت نامه ادامه یابد و تعطیل نشود<sup>۱</sup>، اثر بسیار ارزنده‌ای خواهد بود و مخصوصاً قطع

---

۱- این که گفته شد اگر تعطیل نشود به این جهت که از سال ۱۳۴۰ که نگارنده به جمع هیأت مؤلفان لغت‌نامه پیوسته، نه تنها تاکنون کسی بر این جمع نیفزوده، علاوه بر ضایعه‌ی درگذشت شادروانان دکتر معین و پروین گنابادی، ده نفر از مؤلفان نیز به حکم اضطرار و برای تلاش معاش از لغت‌نامه بریدند و اکنون از ۱۸ مؤلف سی سال پیش تنها ۷ نفر مؤلف اصلی در تألیف لغت‌نامه‌ی فارسی شرکت دارند که سن سه تن از آنان، بالای هفتاد و چهار تن حوالی شصت سال و جانشینی هم ندارند؛ زیرا چند سال پیش چند تن از دانشجویان زبده و باذوق دوره‌ی فوق لیسانس و دکترای ادبیات فارسی به کارآموزی و همکاری پرداختند؛ ولی دانشگاه تهران توانست با حداقل حق الزحمه (حدود شش هفت هزار تومان در ماه) آنان را به خدمت لغت‌نامه درآورد؛ در نتیجه ناچار به ترک همکاری شدند!



بزرگ آن از برخی جهات بر لغت‌نامه‌ی دهخدا نیز برتری خواهد داشت<sup>۱</sup> برای واژه‌ی «افتادن» که هم اکنون در دست تألیف است حدود ۹۰ معنی از شواهد، استخراج و استنباط شده، در حالی که معانی ذکر شده در لغت‌نامه‌ی دهخدا بسیار کم‌تر و در مراجع دیگر کم‌شمارتر است.

**۵ - منتهی الارب:** این فرهنگ ارزشمند که نام آن، «منتهی الارب فی لغة العرب» است، مهم‌ترین و رایج‌ترین فرهنگ عربی به فارسی در ایران است. مؤلف آن عبدالرحیم بن عبدالکریم صفی پوری هندی از دانشمندان سده‌ی سیزدهم هجری است که تألیف آن را به سال (۱۲۵۲ ه.ق) بر مبنای ترجمه‌ی قاموس فیروز آبادی آغاز کرده است. این کتاب نخست در کلکته در چهار جلد به چاپ رسیده و بعد به سال (۱۲۹۸ ه.ق) توسط محمد صادق بن ابوالقاسم خونساری در ایران منتشر شده است. سپس در سال (۱۳۷۷ ه.ق) به اهتمام کتاب‌فروشی‌های اسلامیّه، ابن سینا، خیام و امیر کبیر در تهران به صورت افست تجدید چاپ گردیده است.

منتهی الارب سخت محلّ توجه و قبول علامه دهخدا و دیگر اهل دانش و پژوهش ایرانی قرار گرفته و شادروان محمد پروین گنابادی به اشاره‌ی استاد دهخدا همه‌ی واژه‌های فارسی و عربی آن را برای لغت‌نامه فیش کرده و مؤلفان، همه جا از آن فیش‌ها بهره گرفته‌اند.

این کتاب برخلاف برخی از فرهنگ‌های عربی به فارسی، نثر بسیار روان و رسایی دارد. مدخل‌های این کتاب به ترتیب حروف الفبای عربی ریشه‌ی کلمه‌هاست و همه‌ی صیغه‌ها و ساخت‌های فعلی و مشتقات اسمی و وصفی کلمه در ذیل همان ریشه‌ی فعل آمده‌اند.

**۶- آندراج:** این فرهنگ ارزنده، اثر محمد پادشاه متخلص به شاد از مردم شبه قاره‌ی هند است که در سال ۱۳۰۶ ق. آن را به پایان برده است. مؤلف در تألیف این فرهنگ از مراجع فراوانی استفاده کرده و برای بیشتر واژه‌ها و ترکیب‌ها شاهی از شعر و به ندرت از نثر آورده است. در این فرهنگ، واژه‌های ساده و مرکب با ترکیب‌های اضافی و وصفی و فعلی همه به ترتیب حروف الفبای فارسی در کنار هم قرار گرفته‌اند؛ چنان که «پردگی»، «پردگیان سماء»، «پردگی هفت رنگ»، «پرده» و «پرده از روی کار برخاستن» در یک صفحه به دنبال هم مدخل واقع شده‌اند که به ترتیب: صفت مرکب، ترکیب اضافی، ترکیب وصفی، اسم ساده، و ترکیب فعلی هستند.

---

۱- از جمله‌ی امتیازات این لغت‌نامه، آن است که با الهام از آخرین شیوه‌های فرهنگ‌نویسی نوشته می‌شود و نیز بسیاری از واژه‌ها یا اصطلاحاتی که در دوران تألیف لغت‌نامه‌ی دهخدا وضع و متداول نشده بود و یا متونی که آن واژه‌ها در آن‌ها آمده هنوز تألیف و یا کشف و یا تصحیح و چاپ نشده بودند در این لغت‌نامه آمده است و افزون بر آن‌ها از همه‌ی متون نظم و نثر فارسی از رودکی و بلعی تا ملک الشعراء بهار و جمال‌زاده برای آن برگه برداری شده؛ درحالی که چون استاد دهخدا برای متون بعد از مغول چندان اعتباری قائل نبود بر آن متون، مخصوصاً متون قرن حاضر، کم‌تر استشهد جسته است.

این فرهنگ، از حیث کیفیت و کمیّت و احتوای شواهد و ترکیبات فراوان، یکی از مهم‌ترین فرهنگ‌های فارسی و نیز بهترین فرهنگی است که در شبه قاره‌ی هند نوشته شده است.

برترین چاپ فرهنگ آندراج، نسخه‌ی هفت جلدی است که به تصحیح آقای دکتر دبیر سیاقی و با سرمایه‌ی کتاب‌فروشی خیّام در سال ۱۳۳۵ ش. در تهران چاپ شده است.

**۷- فرهنگ نفیسی:** این فرهنگ گران قدر که فرهنگ ناظم الاطبا و فرنودسار<sup>۱</sup> نیز نامیده شده است تألیف شادروان دکتر علی اکبر خان نفیسی کرمانی (۱۳۴۲ - ۱۲۶۴ ق.) معروف به ناظم الاطبا از پزشکان عالیقدر و محققان و مؤلفان قرن سیزده و چهارده هجری قمری است.

روانشاد ناظم الاطبا در تألیف فرهنگ خود علاوه بر این که از کتب لغت و مراجع معتبر عربی بهره جسته و تقریباً همه یا بیشتر واژه‌های عربی را آورده و از همه‌ی واژه‌نامه‌های فارسی نیز استفاده کرده، به واسطه‌ی آشنایی با زبان‌های اروپایی، از فرهنگ‌های فارسی که مستشرقان و فرهنگ فارسی نویسان فرنگی مانند جانسون<sup>۲</sup>، اشتنگاس<sup>۳</sup> نوشته‌اند، جای جای بهره گرفته است.

فرهنگ ناظم الاطبا را فرزند برومند و دانشمند فقیدش استاد سعید نفیسی در فاصله‌ی سال‌های (۱۳۳۴ تا ۱۳۳۷ ش.) با سرمایه‌ی کتاب‌فروشی خیّام در پنج مجلد بزرگ چاپ و منتشر کرده است.

این فرهنگ نیز مخصوصاً از حیث اشمال همه‌ی واژه‌های مصطلح در فارسی و نیز آوردن همه‌ی واژه‌های رایج و متروک عربی، از مهم‌ترین فرهنگ‌های فارسی به شمار می‌رود.

**۸ - برهان قاطع:** این فرهنگ را محمد حسین بن خلف تبریزی متخلص به برهان به سال (۱۰۶۲ ق.) تألیف کرده و آن، شامل بیست هزار مدخل یا ماده می‌رود.

مؤلف در تألیف این اثر، رنج و سعی فراوان به کار برده و از فرهنگ‌های بسیاری بهره گرفته و فرهنگ پرباری پدید آورده است. این فرهنگ با وجود راه یافتن غلط‌های دساتیری<sup>۴</sup> در آن، از یک سو همه‌ی فرهنگ‌های پیش از خود را تحت الشعاع قرار داده و از سوی دیگر مورد استفاده و اقتباس همه‌ی فرهنگ نویسان پس از خود قرار گرفته است.

صاحب برهان در فرهنگ خود بیشتر به نقل و شرح واژه‌ها و ترکیب‌های فارسی همت گماشته و به لغت‌های تازی کمتر پرداخته است.

---

۱- فرنودسار، واژه‌ی مجعولی است به معنی کتابی که حاوی جمیع فنون حکمت است.

۲- Francis Johnson

۳- F. Stengass, PH.D

۴- دساتیر کتابی است بزرگ و مرگب از ۱۶ کتاب که در عهد صفویه، به وسیله‌ی بیروان آذرکیوان، روحانی زرتشتی، به زبان مجعول نوشته شده و واژه‌های مجعول آن در مراجع لغوی بعدی از جمله برهان راه یافته است.

بهترین چاپ این فرهنگ، نسخه‌ای است که به تصحیح و تحشیه‌ی استاد فقید دکتر معین به سال (۱۳۳۵ ش.) ابتدا در چهار مجلد و بعدها در پنج مجلد به زیور طبع آراسته است. مصحح همه‌ی لغات مجعول دساتیری و دیگر اشتباهات این فرهنگ را با دقت و حوصله و ژرف نگری محققانه و ستایش انگیزی، اصلاح، و توضیحات سودمند و عالمانه‌ای در پانوشت آورده است. تحقیق و تصحیح و حواشی مرحوم دکتر معین چنان بر ارزش این اثر افزوده که برخی از صاحب نظران حاشیه‌ی آن را مفیدتر و ارزنده‌تر از متن می‌دانند.

۹- دانش‌نامه‌ی ایران و اسلام: این مرجع، به‌وسیله‌ی جمعی از دانشمندان و پژوهندگان ایران زیر نظر آقای دکتر احسان یار شاطر استاد دانشگاه تهران بنیاد نهاده شده و نخستین جلد آن در سال (۱۳۵۴ ش.) به‌وسیله‌ی بنگاه ترجمه و نشر کتاب منتشر شده است و تا سال (۱۳۶۰ ش.) نه جلد دیگر آن چاپ شده که همه‌ی مقالات ده جلد مربوط به حرف الف است و آخرین مدخل آن، «اخوان المسلمین» می‌باشد.

تألیف این اثر، پس از پیروزی انقلاب متوقف شده بود؛ ولی اخیراً دایرة‌المعارف اسلامی ادامه‌ی کار را با تجدید نظرهایی بر عهده گرفته و امید است انتشار آن با دقت و سرعت بیشتری ادامه یابد.

۱۰- دایرة‌المعارف بزرگ اسلامی: این دایرة‌المعارف به‌وسیله‌ی سازمانی به نام «مرکز دایرة‌المعارف بزرگ اسلامی» که در اواخر سال (۱۳۶۲ ش.) به سرپرستی آقای کاظم موسوی بجنوردی تشکیل شده و اداره می‌شود، توسط گروهی از دانشمندان و پژوهشگران کشور زیر نظر مؤسس انتشار می‌یابد و تا سال ۱۳۷۲ پنج جلد از آن منتشر گردیده و آخرین مقاله‌ی آن درباره‌ی مدخل «ابوالعزّ قلاسی» است.

گذشته از دایرة‌المعارف بزرگ اسلامی، دو دایرة‌المعارف دیگر نیز به‌وسیله‌ی دو گروه دیگر از فرهنگ نویسان و پژوهش گران ایران، پس از انقلاب تأسیس یافته است:

الف) دایرة‌المعارف اسلامی، که ادامه‌ی کار طبع و نشر دانش‌نامه‌ی ایران و اسلام را با دقت و روش خاصی به عهده گرفته است و در سطور پیش بدان اشاره رفت.

ب) دایرة‌المعارف تشیع، که سه مجلد از آن زیر نظر آقایان دکتر احمد حاج سید جوادی و بهاء‌الدین خرمشاهی و کامرانی فانی طبع و منتشر گردیده است.

افزون بر این‌ها فرهنگ‌های باارزش دیگری چون فرهنگ نظام، فرهنگ جهانگیری، فرهنگ غیاث اللغات که اولی در پنج مجلد و دومی و سومی در سه مجلد طبع و نشر یافته و در فهرست فرهنگ‌ها معرفی شده‌اند شایسته‌ی یاد و شایان توجه‌اند.

علاوه بر همه‌ی این‌ها چند سال پیش، فرهنگ‌نامه‌ای که نویسنده‌ی اصلی آن برتاموریس پارکر است، زیر نظر رعنا اقصی به فارسی ساده و روان برگردانده شده که برای دانش‌آموزان دبیرستان‌ها و مدارس راهنمایی یا افرادی که در حد سیکل یا دیپلم سواد دارند، سودمند است. این فرهنگ‌نامه ۱۸ مجلد است که ۱۶ مجلد آن، ترجمه است و مجلد ۱۷ به نام «ایران» و مجلد ۱۸ به نام «دانستی‌های روز» به‌وسیله‌ی مترجم به اصل ترجمه افزوده شده است.<sup>۱</sup>

از این‌ها گذشته، دانشجویان و دانش‌پژوهانی که به یکی از زبان‌های خارجی تسلط کافی داشته باشند، می‌توانند از دایرة‌المعارف آن زبان بهره‌جویند؛ از این دسته‌اند:

دایرة‌المعارف معروف و گرانقدر لاروس<sup>۲</sup> به زبان فرانسه، و دایرة‌المعارف‌های امریکانا<sup>۳</sup> و بریتانیکا<sup>۴</sup> به زبان انگلیسی.

### دوم: فرهنگ‌های تخصصی فارسی

۱- فرهنگ سخن‌وران: این کتاب همان‌گونه که از اسمش پیداست، حاوی اسامی سخن‌وران و گویندگانی است که به زبان فارسی شعر گفته‌اند. مؤلف این فرهنگ گران‌سنگ، ادیب و پژوهشگر نامی، دکتر عبدالرسول خیام‌پور، استاد فقید دانشگاه تبریز است. روان شاد دکتر خیام‌پور به حق یکی از استادان کم‌نظیری بود که فضل و فضیلت را توأمأ دارا بود. نگارنده که در دوران تحصیلات لیسانس افتخار شاگردی ایشان را داشتم از خرمن دانش و بینش و بزرگواری آن استاد فرزانه و مهربان، خوشه‌ها چیده و توشه‌ها برداشته‌ام.

استاد خیام‌پور نخستین کسی هستند که دستور زبان فارسی خود را بی تقلید از استاد عبدالعظیم قریب، و با استقصا و تعمق و پژوهش در زبان و ادب فارسی و با بینش و روش و بخش‌بندی تازه‌ای نگاشته‌اند. دستور زبان فارسی و فرهنگ سخن‌وران بر فضل آن بزرگ، دو شاهد عدلند.

دکتر خیام‌پور در فرهنگ سخن‌وران، همه‌ی گویندگان زبان فارسی را از رودکی، پدر شعر فارسی تا نیمایوشیج پدر شعر امروز، در هر زمان و مکان که بوده‌اند و نام و شعرشان در تذکره‌ها، یادنامه‌ها، گزیده‌ها، تاریخ‌ها، فرهنگ‌ها، لغت‌نامه‌ها، نشریه‌ها، متون ادبی، فنون ادبی، نقد ادبی، سبک‌شناسی، تاریخ شعرا، تاریخ ادبیات و جز آن‌ها آمده است، به ترتیب حروف تهجی، تخلص و شهرتشان با کمال دقت و با ذکر نام و نام پدر و تاریخ وفات آورده و پس از آن، مآخذی را که شرح حال

۱- چاپ شرکت سهامی کتاب‌های جیبی با همکاری مؤسسه‌ی فرانکلین - چاپ اول ۱۳۴۶

۲- Grand Larousse

۳- Encyclopedia Americana

۴- Encyclopedia Britannica

و شعر شاعر در آن آمده است، با علامت اختصاری آن مأخذ با ذکر صفحه معرفی کرده‌اند. این فرهنگ دارای سه صفحه مقدمه است که در آن، راهنمایی‌هایی سودمند و لازم برای سهولت کار خوانندگان شده است.

پس از آن، فهرست منابع با ذکر علامت‌های اختصاری هر یک در چهارده صفحه آمده و سپس فهرست تواریخ در چهار صفحه حاوی تاریخ‌های برخی از سلسله‌ها و پادشاهان و بزرگان، که بعضی از شعرا در تذکره‌ها با آن‌ها معاصر معرفی شده‌اند.

**۲- فرهنگ لغات و تعبیرات مثنوی:** این فرهنگ، تألیف آقای دکتر سید صادق گوهرین استاد وارسته و دانشمند دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران است که در هفت مجلد از سال ۱۳۳۷ تا ۱۳۵۴ در سلسله انتشارات دانشگاه تهران به طبع رسیده است.

استاد گوهرین در این فرهنگ ارجمند، تنها مشکلات لغوی تعبیری مثنوی شریف را نگشوده، بلکه با شرح و توضیح بسیاری از اصطلاحات و تعبیرات و مضامین و مفاهیم عرفانی، کار مطالعه و تحقیق را بر عرفان دوستان و ادب پژوهان آسان کرده‌اند.

واژه‌ها در این فرهنگ به ترتیب الفبای فارسی آمده نه بر حسب شماره‌ی ابیات و دفترها.

**۳- فرهنگ معارف اسلامی:** این کتاب از تألیفات آقای دکتر سید جعفر سجادی استاد دانشگاه تهران است که مؤلف، اصطلاحات علوم منطق، فلسفه، فقه، اصول، کلام، تفسیر، نجوم، ملل و نحل، گاه‌شماری و ادبیات را شرح کرده است. این کتاب در چهار مجلد به وسیله‌ی شرکت مؤلفان و مترجمان منتشر شده است.

**۴- فرهنگ فریق اسلامی:** این فرهنگ از آثار آقای دکتر محمد جواد مشکور استاد دانشگاه تربیت معلّم است که به سال ۱۳۶۸، به وسیله‌ی بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی در مشهد به چاپ رسیده است. مؤلف در این کتاب همه‌ی فرقه‌های اسلامی را به ترتیب حروف تهجی معرفی کرده است.

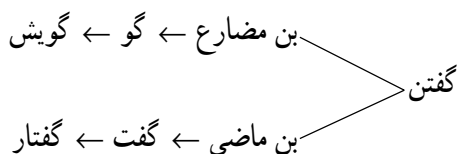
**۵- فرهنگ‌های فارسی و فرهنگ گونه‌ها:** مؤلف این کتاب، آقای دکتر سید محمد دبیر سیاقی از مؤلفان نامی لغت‌نامه‌ی دهخدا و لغت‌نامه‌ی فارسی و از یاران و همکاران علامه‌ی فقید استاد دهخداست که به معرفی همه‌ی فرهنگ‌ها و فرهنگ گونه‌های زبان فارسی که از آغاز تا امروز در هر کجای جهان نوشته شده است در پنج بخش (۱- فرهنگ‌های فارسی؛ ۲- فرهنگ‌های فارسی به زبان‌های دیگر؛ ۳- فرهنگ‌های زبان‌ها و گویش‌های محلی؛ ۴- فرهنگ‌های موضوعی؛ ۵- فرهنگ گونه‌ها.) پرداخته است که می‌توان آن را «فرهنگ فرهنگ‌ها» نامید.

## خلاصه‌ی درس نوزدهم

- قدم اول در تحقیق و پژوهش توانایی استفاده و بهره‌گیری از منابع است.
- شرط استفاده از منابع و مراجع، شناختن آن‌ها و آشنایی با طرز استفاده از آن‌هاست.
- در مراجعه به «مراجع» به اطلاعاتی از قبیل: معنی یا معانی گوناگون، املاي درست، تلفظ، ریشه، ارزش دستوری، تعریف یا توصیف، شکل، نام‌های دیگر و . . . . به دست می‌آوریم.
- ترتیب قرار گرفتن کلمات واژه نامه بر اساس حروف الفباست. برخی از واژه‌نامه‌ها عمومی‌اند مانند: فرهنگ معین و لغت نامه‌ی دهخدا و برخی نیز تخصصی هستند؛ مانند: فرهنگ اصطلاحات علمی زیر نظر پرویز شهریاری.
- برای شناخت مراجع و منابع می‌توان از فهرست‌های کتاب‌شناسی، مقاله، نامه‌ها، برگه‌های کتابداری، نقد و آثار، نشریات ادواری و . . . استفاده کرد.
- در میان منابع پژوهشی، کتاب‌های مرجع جایگاه ویژه‌ای دارند زیرا در کوتاه‌ترین زمان اطلاعاتی دقیق، جامع و اساسی را درباره‌ی یک واژه، مفهوم، موضوع، شخص، مکان و . . . در اختیار پژوهنده قرار می‌دهند.
- برخی از کتاب‌های مرجع عبارتند از: واژه نامه‌ها، فرهنگ‌ها، دانش نامه‌های عمومی و تخصصی، زندگی نامه‌ها، تاریخ‌ها، یاد نامه‌ها و . . . . .
- مراجع پژوهش به چهار دسته‌ی اصلی تقسیم می‌شوند: ۱- مراجع دست اول، ۲- مراجع دست دوم، ۳- مراجع مطالعاتی و غیر کتابی، ۴- مواد دیداری- شنیداری.

## \* پاسخ خودآزمایی‌های درس نوزدهم

- ۱- دانش آموزی است.
- ۲- از بن مضارع با ماضی فعل‌های زیر اسم مشتق می‌سازیم:  
پرسید ← بن مضارع ← پرس ← پرسش  
بین ← بین ← بینش  
دید ← دید ← دیدار



### \* خودآزمایی‌های نمونه

- ۱- واژه یا اصطلاحی را به دلخواه خود انتخاب کرده و برای یافتن اطلاعات بیشتر به یکی از فرهنگ نامه‌ها مراجعه کنید.
- ۲- برای به دست آوردن اطلاعات مورد نیاز، اولین قدم چیست؟
- ۳- در استفاده از کتاب‌های مرجع چه نکاتی را باید رعایت کرد؟
- ۴- نقل مطالب از کتاب‌های مرجع به چند طریق صورت می‌گیرد؟
- ۵- در یک واژه نامه معمولاً به چه اطلاعاتی می‌توان دست یافت؟
- ۶- چهار نمونه از کتاب‌های مرجع را نام ببرید.
- ۷- دو نمونه از ویژگی‌های لغت نامه‌ی دهخدا و دو نمونه از ویژگی‌های فرهنگ معین را بنویسید.
- ۸- در لغت نامه‌ی دهخدا، واژه‌ها، اسامی مکان‌ها، گیاهان، جانداران و غیره یک جا و براساس . . . مرتب شده‌اند.
- ۹- تلفظ درست کلمه در دهخدا در ..... نشان داده شده است.
- ۱۰- علامت داخل کمانک (ا) نوع ..... کلمه را مشخص کرده است.
- ۱۱- دو خط موازی || در لغت نامه دهخدا نشانه‌ی ..... است.
- ۱۲- در فرهنگ معین، تلفظ درست کلمه را از طریق ..... نشان می‌دهد تا آن را به صورت دیگری تلفظ نکنیم.
- ۱۳- در داخل قلاب [ ] در فرهنگ معین چه موضوعی نوشته می‌شود؟
- ۱۴- نشانه‌ی اختصاری داخل کمانک (ا) نشان می‌دهد که این کلمه از مقوله‌ی دستوری «اسم» است.
- ۱۵- نشانه‌ی «-» برای ..... از ..... کلمه به کار می‌رود.
- ۱۶- در فرهنگ معین، استفاده از علامت (کف) نشانه‌ی چیست؟
- ۱۷- برای سهولت استفاده از هر فرهنگی، بهتر است قبلاً ..... آن را به خوبی مطالعه کرد.

## گروه اسمی (۳) ضمیر

### اهداف کلی

- ۱- شناخت ضمیر و انواع آن و مرجع آن‌ها.
- ۲- آشنایی با شبه جمله و انواع آن.

### اهداف جزئی

- ۱- توانایی تشخیص ضمیر و انواع آن.
- ۲- توانایی تشخیص مرجع ضمیر.
- ۳- توانایی تشخیص نقش ضمیر در جمله.
- ۴- رعایت کاربرد مؤدبانه‌ی ضمیر در گفتار و نوشتار.
- ۵- آشنایی با شبه جمله و انواع آن.
- ۶- توانایی تشخیص ضمیر و شبه جمله‌ها در متن.

### منابع

- دستور زبان فارسی (۱) - دکتر وحیدیان و عمرانی - نشر سمت - چاپ ۱۳۷۹.
- دستور زبان فارسی بر پایه‌ی نظریه‌ی گشتاری - دکتر مهدی مشکوة‌الدینی - دانشگاه فردوسی مشهد ۱۳۷۳.
- توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی، محمد رضا باطنی - تهران - امیر کبیر - چاپ چهارم ۱۳۷۰.
- آموزش زبان فارسی - مجمع علمی آموزش زبان و ادب فارسی - دفتر برنامه ریزی و تألیف کتاب‌های درسی - تهران - چاپ اول - خرداد ۱۳۷۷.



## روش‌های تدریس پیشنهادی

– روش واحد کار

– الگوی همیاری

### نکات اساسی درس بیستم

- شرح و بررسی ضمیر و مرجع آن.
- بیان انواع ضمیر (شخصی، اشاره، پرسشی، مشترک، متقابل).
- توضیح ضمیر شخصی و چگونگی قرار گرفتن آن در جایگاه گروه اسمی.
- بررسی مرجع ضمیر شخصی و چگونگی حذف مرجع آن.
- ذکر و بررسی چگونگی مرجع ضمیرهای اول شخص، دوم شخص، سوم شخص.
- بیان صورت‌های شش گانه‌ی ضمیرهای جدا و پیوسته.
- شرح و بررسی ضمیر اشاره و ضمیر مشترک.
- بیان کاربردهای مؤدبانه‌ی ضمائر.
- شرح و بیان شبه جمله و انواع آن.

□ هسته‌ی 'گروه اسمی، ممکن است اسم یا ضمیر باشد. ضمیر به جای اسم

می‌آید و از تکرار آن جلوگیری می‌کند.

چنانچه از کسی یا از چیزی نام می‌بریم، دوباره اگر بخواهیم درباره‌ی او حرف بزنیم، به جای این که نامش را تکرار کنیم، با کلمه‌ی دیگری به او اشاره می‌کنیم: دهخدا محقق بزرگی بود. پس «او» و هر کلمه‌ی دیگر که به جای اسم بنشینند، ضمیر نامیده می‌شود و اسمی را که ضمیر به جای آن آمده است مرجع آن ضمیر گویند. در جمله‌ی بالا «دهخدا» مرجع «او» است.

در فارسی امروز، ضمیر پنج نوع است: شخصی – اشاره – پرسشی – مشترک – متقابل. با توجه به چهارچوب محتوایی درس بیستم کتاب درسی، سه نوع شخصی، اشاره و مشترک مورد بررسی قرار می‌گیرد.

**ضمیر شخصی:** این ضمیر در جایگاه گروه اسمی قرار می‌گیرد و مثل فعل برای هر شخص، صورتی متمایز دارد. مرجع این نوع ضمیر، معمولاً همراه یا غالباً پیش از آن نقل می‌شود. در غیر این

صورت قرینه‌ای، آن را به مرجع پس از آن یا به مرجع محذوف نسبت می‌دهد :

الف) در مورد اول شخص، مرجع، گوینده است و حاضر و غالباً نیازی به ذکر آن نیست اما در صورت لزوم، مرجع به صورت بدل پس از اسم می‌آید : من، سهراب محمدی، معلم کلاس سوم اعلام می‌کنم که. . . / ما، ساکنان خیابان سعدی، تقاضا می‌کنیم که ... .

ب) برای دوم شخص نیز گرچه به دلیل قرینه‌ی حضوری به ذکر مرجع نیاز نیست باز هم در صورت لزوم، مرجع به صورت بدل یا به شکل منادا در جمله ظاهر می‌شود : شما، دانشجویان سال اول، به کتاب‌خانه بروید. شما، دوستان، قضاوت کنید.

دوستان، شما قضاوت کنید. شما قضاوت کنید، دوستان.

پ) سوم شخص همیشه نیازمند مرجع است - چون در حضور نیست - مگر این که به قرینه حذف شود.

ضمیر شخصی در نقش نهادی به دلیل مطابقت آن با شناسه‌ی فعل قابل حذف است و شناسه‌ی فعل قرینه‌ای است برای حذف آن.

ضمیر شخصی دو شکل جدا و پیوسته دارد :

**ضمیر شخصی جدا** : ضمیر جدا مستقل از واژه‌های دیگر به کار می‌رود و برای شش شخص صورت‌های زیر را دارد :

شخص و شمار	مفرد	جمع
اول شخص	من	ما
دوم شخص	تو	شما
سوم شخص	او / آن / وی	ایشان / آن‌ها / آنان

از میان ضمیرهای بالا، «آن» برای انسان به کار نمی‌رود و اگر به کار رود از آن، مفهوم تحقیر بر می‌آید. «وی» نیز ویژه‌ی تثر ادبی است.

«آن‌ها» هم برای انسان است و هم برای غیر انسان. «آن» و «آنان» با ضمیرهای اشاره هم مشترک‌اند اما در کاربرد «شخصی» هیچ‌گونه مفهوم یا عمل اشاره وجود ندارد : شکارچیان آهوپی دیدند و به تعقیب آن پرداختند.

**ضمیر شخصی پیوسته** : این تکواژها کارکرد مستقل ندارند و همیشه همراه اجزای دیگر کلام به کار می‌روند و عبارتند از :

شخص و شمار	مفرد	جمع
اوّل شخص	مَ	مَن
دوم شخص	تَ	تَن
سوم شخص	شَ	شَن

اگر پیش از این ضمیرها، واژه‌های پایان به مصوّت به جز مصوّت «ـِ» بیاید در پیوندگاه آن‌ها «ی» میانجی به کار می‌رود: کتاب‌هایم ... کتاب‌هایشان - آبروتان ... اما اگر (ه = e) بیاید، - از سه ضمیر جمع حذف می‌گردد:

خانه‌مان، خانه‌تان، خانه‌شان و صورت‌های خانه‌ی‌مان (خانه‌ی‌تان)، خانه‌ی‌تان (خانه‌ی‌تان)، خانه‌ی‌شان (خانه‌ی‌شان) را فارسی‌زبانان به کار نمی‌برند. این صورت‌ها ساختگی و تجویزی است و غلط.

**ضمیر اشاره:** اگر دو کلمه‌ی «آن» و «این» جانشین اسمی شوند، ضمیر اشاره نام دارند. «این» برای اشاره به نزدیک و «آن» برای اشاره به دور به کار می‌رود.

اگر «این» و «آن» در جمله باهم به کار روند معمولاً مرجع آن‌ها از روی ترتیب تقدّم و تأخّر شناخته می‌شود مگر این که قرینه‌ی دیگری خلاف آن موجود باشد: بازی شطرنج و بازی فوتبال تمثیل‌های سودمندی را برای زبان به دست می‌دهند اما به طور دقیق نه «این» بر زبان منطبق است نه «آن».

«این» و «آن» مثل اسم بانسانه‌های جمع «ها، ان» جمع بسته می‌شوند: اینان، آنان، برای انسان و این‌ها، آن‌ها برای انسان و غیر انسان.

«این» و «آن» اگر باهم و بدون مرجع بیابند اسم مبهم اند؛ زیرا بر شخص یا اشخاص نامعین دلالت می‌کنند:

اعتماد کردن به سخن این و آن، شایسته نیست.

ضمایر اشاره‌ی «این» و «آن» و دو ضمیر «او» و «ایشان» وقتی همراه حرف اضافه‌ی «به» می‌آیند گاهی میان «به» و آن‌ها، «د» افزوده می‌شود بدین - بدان - بدو - بدیشان: به جای به این، به آن، به او، به ایشان.

**ضمیر مشترک:** تکواژ «خود» ضمیر مشترک است که به جای شش شخص به کار می‌رود. «خویش» و «خویشان» در برخی نقش‌ها می‌توانند به جای «خود» بیابند. در فارسی امروز بعد از

«خود» معمولاً ضمیر پیوسته می‌آید: خودم - خودت - خودش - خودمان - خودتان - خودشان. ضمیر شخصی جدا و اسم نیز می‌توانند بعد از «خود» به صورت مضاف الیه بیایند: خودمن آمدم. خود شما آمدید. خودِ حسن گفت.

ضمیر مشترک گرچه جانشین اسم است و این دو از نظر صوری، تقریباً همه جا می‌توانند به جای همدیگر به کار روند اما عملاً هنگامی که ضمیر مشترک متمم یا مفعول یا بدل هم شخص با نهاد باشد وجود آن اجباری است و نمی‌توان جای آن را با اسم یا ضمیر جدا عوض کرد. همچون مثال‌های زیر:

۱- حسن آن مطلب را از خودش نساخته است ← حسن آن مطلب را از حسن نساخته است (غلط).

۲- حسن خودش را در آینه دید ← حسن حسن را در آینه دید (غلط).

۳- حسن خودش از این کار بیشتر ناراحت بود ← حسن حسن از این کار بیشتر ناراحت بود (غلط).

کاربرد مؤدبانه‌ی ضمیرها: برای دوم شخص مفرد هنگام احترام به جای «تو» / «ت» از ضمیرهای «شما» و «تان» استفاده می‌شود: لطفاً یک نسخه از کتاب جدیدتان را به امانت به من بدهید. برای سوم شخص مفرد هنگام احترام، به جای «او» و «ش» از ضمیرهای «ایشان» و «شان» استفاده می‌شود: به دیدار استاد رفتم و با ایشان صحبت کردم و از سخنانشان بهره بردم. بعضی از ضمیرها می‌توانند وابسته بپذیرند: ضمیر، گاهی وابسته‌ی پیشین صفت اشاره (همین، این) می‌گیرد:

همین شما مردم کوفه بودید که در سخنرانی عیب‌الله زیاد مسحور کلامش شده بودید. دو ضمیر «من و تو» صفت بیانی می‌گیرند: من سرگشته، توی دنیا دیده، توی دانشجو. بدین ترتیب، جدول ضمیرهای شخصی به شکل زیر در می‌آید:

شخص	ضمیرهای جدا		ضمیرهای پیوسته	
	کاربرد عادی	کاربرد مؤدبانه	کاربرد عادی	کاربرد مؤدبانه
گوینده	من	-	مَ	-
شنونده	تو	شما	تَ	تَـن
دیگری	او	ایشان	شَ	شَـن

زبان به عنوان یک رفتار اجتماعی تحت تأثیر عوامل مختلف، گونه‌های متفاوت دارد، یکی از گونه‌های رایج در فارسی امروز، فارسی مؤدبانه است.

**شبه جمله:** اگر بخواهیم حالت‌های روحی و درونی خود چون شادی، تعجب، درد، افسوس و مانند آن‌ها را بر زبان آوریم، معمولاً از کلمه‌هایی همچون، به، وه، آه، آوخ و جز آن‌ها استفاده می‌کنیم. این کلمه‌ها را شبه جمله یا صوت گویند. از آن جهت به این کلمه‌ها شبه جمله گویند که معنایی مانند جمله دارند، مثلاً وقتی می‌گوییم «آه» مثل این است که بگوییم «درد می‌کشم» یا وقتی می‌گوییم «به به» مثل این است که بگوییم «چه خوب است» یا وقتی که می‌گوییم: «آفرین» مثل این است که بگوییم «ترا تحسین می‌کنم» به این کلمه‌ها «صوت» هم می‌گویند؛ زیرا در بیشتر آن‌ها مثل این است که از شدت درد یا تعجب یا افسوس، صوت (یعنی صدایی) از حلق و دهان خود در می‌آوریم.

**اقسام شبه جمله:** معمولاً شبه جمله را از جهت معنا به انواعی تقسیم می‌کنند. معروف‌ترین آن‌ها به قرار زیرند:

۱- شبه جمله‌ی امید و آرزو و دعا؛ مانند: کاش، ای کاش، کاشکی، الهی، آمین، ان‌شاءالله.

۲- شبه جمله‌ی درد و تأسف؛ مثل: خوب (خُب)، آفرین، مرحبا، خوشا، به به، بارک‌الله، احسنت.....

۳- شبه جمله‌ی درد و تأسف؛ مانند: واویلا، آه، وای، دردا، افسوس، دریغ، دریغا.

۴- شبه جمله‌ی تعجب؛ مانند: به، وه، عجب، چه عجب، عجباً، شگفتا.

۵- شبه جمله‌ی تنبیه و تحذیر (بیدار و متوجه ساختن و پرهیز دادن)؛ مانند: آمان، مبادا، زنهار، هان، الحذر.

۶- شبه جمله‌ی امر؛ مانند: بسم‌الله، یاالله، خاموش، خفه.

۷- شبه جمله‌ی احترام و قبول؛ مانند: چشم، به چشم، ای بچشم، قربان، بله قربان.

۸- شبه جمله‌ی جواب و تصدیق؛ مانند: بله، بلی، آری، البته، ای، ای والله.

\* منادانیزچه با نقش نما (ای، یا، آی، ا) همراه باشد، چه بی آن بیاید، (شبه جمله) نامیده می‌شود.

### خلاصه‌ی درس بیستم

- هسته‌ی گروه اسمی ممکن است اسم یا ضمیر باشد.
- کلمه‌ای که به جای اسم می‌نشیند، ضمیر نامیده می‌شود.
- اسمی را که ضمیر به جای آن آمده است مرجع آن ضمیر گویند.
- هر گروه اسمی که هسته‌ی آن ضمیر باشد، می‌تواند برخی وابسته‌ها را به همراه داشته باشد.
- ضمیرهای اشاره‌ی آن و این، وابسته‌ی پسین جمع را می‌پذیرند: آن‌ها، این‌ها.
- ضمیر مشترک «خود» مضاف الیه می‌گیرد: خود سعید این خبر را داد.
- بعضی از ضمائر شخصی جدا گاهی صفت می‌گیرند: من بیچاره – توی دانش‌آموز.
- برای دوم شخص مفرد هنگام احترام، به جای ضمیرهای «تو، ت» از ضمیرهای «شما و – تان» استفاده می‌شود.
- برای سوم شخص مفرد هنگام احترام، به جای ضمیرهای «او، – س» از ضمیرهای «ایشان و – شان» استفاده می‌شود.
- شبه جمله: شبه جمله‌ها واژه‌هایی هستند که به تنهایی همچون جمله‌ای مستقل مفهوم کاملی را می‌رسانند اما مثل جمله دارای نهاد و گزاره نیستند.
- شبه جمله از جهت معنا انواع مختلف دارد.
- منادا نیز چه با نقش نما (ای – یا – آی – ا) همراه باشد چه بی آن بیاید «شبه جمله» نامیده می‌شود.

### خلاصه‌ی پیام‌آموزیم

- در زبان فارسی واژه‌ی «برخوردار» به معنی «بهره‌مند» است و در جایی به کار می‌رود که مفهوم جمله مثبت باشد:
- پدرم از سلامت کامل برخوردار است.
- این کتاب‌خانه از کتاب‌های خوبی برخوردار است.

## ❖ پاسخ خودآزمایی‌های درس بیستم

- ۱- آن ← روزنامه / او ← اشرف الدین قزوینی / آن ← روزنامه / او ← نسیم شمال / کدام ← کودکان / او ← نسیم شمال (اشرف الدین قزوینی) / من ← سعید نفیسی / من ← سعید نفیسی / او ← اشرف الدین قزوینی /
- وی ← اشرف الدین قزوینی / او ← اشرف الدین قزوینی
- ۲- شبه جمله‌های عبارت: دروغا، افسوس، بسم الله.
- ۳- به عهده‌ی دانش‌آموز است.
- ۴- مدرسه‌ی ما از امکانات خوبی مثل آزمایشگاه برخوردار شده است.
- اگر مسئولان تلاش کنند ما از امکانات خوبی مثل کتاب‌خانه برخوردار می‌شویم.

## ❖ خودآزمایی‌های نمونه

- ۱- ضمیر کلمه‌ای است که جانشین ..... می‌شود و از تکرار آن جلوگیری می‌کند.
- ۲- به کلمه‌ای که ضمیر جانشین آن می‌شود ..... می‌گویند.
- ۳- در عبارت «من معلم را دیدم و از او سؤالاتی را پرسیدم» مرجع ضمیر «او» ..... است.
- ۴- ضمیر می‌تواند در نقش ..... گروه اسمی ظاهر شود.
- ۵- گاهی مرجع ضمیر به ..... حذف می‌شود.
- ۶- ضمیرهای اشاره‌ی «آن» و «این» می‌توانند وابسته‌ی پسین ..... را بپذیرند.
- ۷- ضمیر مشترک خود وابسته‌ی پسین ..... می‌گیرد.
- ۸- بعضی از ضمایر شخصی جدا گاهی ..... می‌گیرند.
- ۹- در کاربرد مؤدبانه‌ی ضمیر به جای ضمیر دوم شخص مفرد از ضمیر ..... استفاده می‌شود.

۱۰- به کلمه‌ای که مانند یک جمله مفهوم کاملی داشته باشد اما دارای نهاد و گزاره نباشد ..... می‌گویند.

- ۱۱- به کلماتی که همراه یکی از نقش‌نماهای (ای، یا، آی، ا) بیاید ..... می‌گویند.
- ۱۲- واژه‌ی «برخوردار» در جایی به کار می‌رود که جمله مفهوم ..... داشته باشد.
- ۱۳- در چه صورت ضمیر می‌تواند وابسته بگیرد؟
- ۱۴- با ذکر یک مثال، ضمیر و مرجع آن را نشان دهید.
- ۱۵- در یک نمونه، کاربرد مؤدبانه‌ی ضمیر را نشان دهید.

- ۱۶- در عبارت‌های زیر شبه جمله‌ها را مشخص کنید.
- دریغا بر ساعاتی که به بیهودگی سپری می‌شود.
  - خدایا ما را به راه راست هدایت فرما.
  - علی به محض این که سگ ولگرد را دید گفت: «چخ».
  - بسیاری از دانش‌آموزان هدف از تحصیل را به خوبی می‌دانند اما افسوس که این امر بر بعضی روشن نیست.



## املا و گزینش‌های املائی (۱)

### اهداف کلی

- ۱- آشنایی با بخشی از گزینش‌های املائی.
- ۲- آشنایی با راه‌های صحیح نویسی و گزینش درست هر یک از حروف در کلمه‌ها.

### اهداف جزئی

- ۱- توانایی تشخیص این نکته که صدای همزه به هنگام نوشتن گاهی به شکل (ء) و گاهی به شکل (ع) ظاهر می‌شود.
- ۲- توجه به ملاک‌های «انتخاب» و گزینش املائی تقریری.
- ۳- توانایی درست نویسی از راه شناخت اشتقاق و هم خانواده‌ی کلمه‌ها.
- ۴- درست نویسی با توجه به معنی کلمه‌ها در جمله.
- ۵- توانایی درست نویسی به کمک قرینه‌های کلام در املائی کلماتی که تلفظ یکسان اما معنی‌های متفاوت دارند.
- ۶- توجه به اهمیت املائی کلماتی که دارای یک یا چند حرف از گروه‌های ششگانه باشد.
- ۷- توانایی درست نوشتن گروه کلمات.

### منابع

- راهنمای درس املاء و دستور العمل تصحیح آن — دکتر حسین داوودی — انتشارات مدرسه — چاپ اول — تهران ۱۳۷۶.
- زبان فارسی سال دوم دبیرستان — دفتر برنامه ریزی و تألیف کتاب‌های درسی — چاپ — ۱۳۸۰.
- غلط نویسیم — دکتر ابوالحسن نجفی — مرکز نشر دانشگاهی — چاپ چهارم — تهران ۱۳۷۱.

## روش‌های تدریس پیشنهادی

– روش تقریری

– روش همیاری

### نکات اساسی درس بیست و یکم

- بیان و توضیح هدف‌گزینش‌های املائی.
- بیان راه‌های گوناگون‌گزینش صحیح حروف در املائی تقریری.
- بررسی سه‌گروه از گروه‌های ششگانه.
- شرح و بیان ضرورت آموزش مستمر و پایدار برای‌گزینش‌های املائی.
- نشان دادن درستی و نادرستی برخی از واژه‌های سه‌گروه از گروه‌های ششگانه.

### □ گزینش املائی چیست؟

در زبان فارسی حروفی هستند دارای واج یکسان که غالباً دانش‌آموزان در حین نوشتن واژه‌هایی که دارای چنین واج‌هایی هستند دچار مشکل شده و مرتکب غلط املائی می‌شوند. علاوه بر آن، بعضی از حروف مانند «همزه» دارای شکل‌های آغازی و میانی و پایانی هستند که گاه دانش‌آموزان با کاربرد درست آن آشنایی کامل ندارند. در این درس سعی می‌شود که با شرح و توضیح و تمرین با کاربرد صحیح آن‌ها بیشتر آشنا شده و بدانیم که ملاک ما در انتخاب و گزینش صحیح چنین حروفی در املائی تقریری برخی کلمات چیست؟

برای رفع این مشکل راه‌های گوناگونی وجود دارد که در این بخش به برخی از آنها به اختصار اشاره می‌شود:<sup>۱</sup>

الف) ساده‌ترین روش، دیدن شکل صحیح کلمه‌هاست چنانچه ما اولین بار کلمات «یأس» و «سعد» را با همین املا دیده‌ایم و آن‌ها را با نوشتن تمرین کرده‌ایم در نتیجه چشم ما با شکل درست این کلمه‌ها آشنا شده است. این امر در مورد سایر کلماتی که دو یا چند شکل املائی دارند اما یکی از آن‌ها برای ما آشناست نیز صدق می‌کند.

ب) دومین راه، شناخت هم‌ریشه و هم‌خانواده بودن برخی کلمه‌هاست؛ بنابراین، ما کلمه‌های «الف» و «عابد» را نیز صحیح می‌نویسیم؛ چون آموخته‌ایم که به ترتیب این دو با «ألف» و «عبد» هم‌خانواده هستند.

۱- راهنمای درس املا و دستورالعمل تصحیح آن، دکتر داوودی

پ) راه سوم توجه به معنای کلمه‌هاست چنانچه در جمله‌ی «آن حادثه‌ی الیم و دردناک، اتفاق افتاد» می‌دانیم «الیم» با «دردناک» هم معنی بوده بنابراین ربطی به کلمه‌ی «علیم» به معنی «دانا» ندارد. به سبب آن که گروه‌های ششگانه نقش مهم و تعیین کننده‌ای در املا‌ی فارسی دارند به بررسی بیشتر برخی از آنها می‌پردازیم:

حروف این شش گروه مجموعه‌ای از حرفهای مشترک فارسی یا عربی و حرفهای خاص عربی است.

در گروه اول حرف ا (همزه‌ی آغازی) با واج همزه (ء)، مشترک فارسی و عربی است و حرف‌های همزه (ء) و عین «ع» نماینده‌ی واج یا صدای همزه /ء/ هستند. برای نوشتن کلماتی که دارای همزه‌ی آغازی هستند، از حرف «ا» استفاده می‌شود؛ مانند: ابر- آشک؛ و کلمات عربی اِذن و اسم.

حرف «همزه» اگر «آغازی» باشد در خط فارسی به شکل «الف» نوشته می‌شود؛ مانند: «أصل، اذن، أخت» و اگر «میانی» و «پایانی» باشد هم شکل و هم واج آن خاص عربی است؛ مانند: «رأس و جزء»؛ به استثنای آن دسته از کلمات غیر عربی رایج در فارسی که همزه با کرسی «ی» می‌گیرند؛ مانند: «تُون، تاتر، پروتین». کاربرد این نوع همزه در رسم الخط فارسی رو به افزایش است و به تدریج جزو حروف مشترک فارسی و عربی شده است. ضمناً واج همزه در خط فارسی دو شکل مکتوب دارد؛ یکی حرف «ء» و دیگری حرف «ع». چنانکه در کلمات «اصل، عقل، رأس، رعد، ملجأ، مجمع» ملاحظه می‌شود.

در گروه دوم، حرف «ت» با واج /ت/ مشترک فارسی و عربی است. گفت، شتاب، که فارسی‌اند و ختم، نعت، عربی‌اند؛ و حرف «ط» خاص عربی. (طلب، خط، رطل) در گذشته، برای نوشتن این گونه کلمات، مردم بیشتر به حرف «ط» گرایش داشته‌اند اما امروز نوشتن، این قبیل کلمات با حرف «ت» بهتر است. به جز اسم‌های خاص که باید مطابق با شناسنامه‌ی افراد باشند.

در گروه سوم، حرف «س» با واج «س» مشترک فارسی و عربی است. (اسب و پاس فارسی‌اند و نسل و ناس، عربی‌اند و حرف‌های خاص عربی «ث» و «ص»، ثابت، خاص) وجود کلماتی چون «کیومرث، تهمورث» در فارسی امروز نشان می‌دهد که حرف «ث» در زبان اوستایی، واج مستقلی داشته است که به صورت قرضی در فارسی میانه وارد شده ولی در فارسی دری و فارسی امروز که ادامه‌ی آن است دیگر این حرف استقلال آوایی ندارد و با واج «س» تلفظ می‌شود.<sup>۱</sup>

۱- غلط نویسیم، ابوالحسن نجفی

دانش‌آموز از ابتدای آموزش دبستانی به تدریج و با استفاده از کلمات کلیدی متوجه می‌شود که مثلاً واج «س» سه شکل (ث، س، ص) دارد. در نتیجه به صورتی تجربی و عینی در می‌یابد که تلفظ «طناب» و «تلاش» با صدای مشترکی آغاز می‌شوند اما اولی را باید با «ط» و دومی را با «ت» آغاز کرد و نه برعکس. «انتخاب»ها در پایه‌های ابتدایی عملی‌تر است چون دانش‌آموز شکل خاصی از یک کلمه‌ی چند شکلی را در کتاب‌های خود دیده است و همان دیدن جواز نوشتن وی در املا شده است اما در دوره‌های پیشرفته که مطالعات گسترده می‌شود و اشتقاق و تضاد و ترادف کلمات مطرح هستند «انتخاب» جدی‌تر و حسّاس‌تر می‌شود.

بنابراین دانش‌آموزان باید آموزش ببینند و دریابند که نوشتن بسیاری از کلمات عربی رایج در فارسی، ضمن این که باید ضوابط مقدماتی و «التزام»های آن‌ها دقیقاً رعایت شود، دارای چند شکل متفاوتند، چه آن شکل‌ها معنی دار باشند و چه فاقد معنی، چنان‌که لفظ «صبر = sabr» به شکل‌های مقدر «صبر، ثبر، سبر» قابل پیش‌بینی است. در این مرحله است که دانش‌آموز علاوه بر ملتزم شدن به رعایت ضوابط مقدماتی باید شکلی را از یک کلمه‌ی چند شکلی «استنباط» و «انتخاب» کند. پس ملاحظه می‌شود که نوع «ضابطه» در این جا تغییر می‌کند و مقوله‌ی باید‌ها و نباید‌ها به مقوله‌ی «گزینش»ها ارتقا می‌یابد:

این «انتخاب» زمانی حسّاس‌تر می‌شود که تمام یا بعضی از شکل‌های متعدد یک کلمه معنی دار نیز باشند چنان‌که تلفظ «اسیر = asir» شکل‌های مکتوب «اسیر، اصیر، اثیر، عسیر، عصیر، عثیر» را می‌تواند داشته باشد، در حالی که همه‌ی آن‌ها معنی دار هستند – هر چند بعضی از آن‌ها در فارسی امروز رواج ندارند – حال اگر جمله‌ای از یک املا چنین باشد: «قدما درباره‌ی کره‌ی اثیر سخن‌ها گفته‌اند.» دانش‌آموز باید یکی از شش کلمه‌ی نوشته شده را «انتخاب» کند و چون بین آن‌ها کلمات رایج دیگری مانند «اسیر و عسیر» وجود دارد. در این «انتخاب» باید به تفاوت معنایی آن‌ها توجه داشته باشد و گرنه جمله غلط خواهد بود. پس با کمی دقت در می‌یابیم که بیش‌ترین دشواری و پیچیدگی در املا‌ی فارسی به ضابطه‌های نوع دوم یعنی «انتخاب»ها مربوط می‌شود و اکثر غلط‌های املا‌ی ناشی از گزینش‌های نابه‌جاست، نه ناقص و غلط نوشتن حرفی از حروف یک کلمه، به عبارت دیگر در مقوله‌ی «التزام» اجزای کلمه به صورت انتزاعی مطرح می‌شوند و زیر ذره بین قرار می‌گیرند. اما در مقوله‌ی «انتخاب» هویت و استقلال کلمه به عنوان پیکری واحد، شناسایی و ارزیابی می‌شود.

باید اضافه کرد که بودن این حروف (حروف خاص عربی) در الفبای فارسی و به تبع آن بودن کلمات فراوانی که یک یا چند حرف از این حروف را با خود دارند، خط و املا‌ی فارسی را در مقایسه با زبان‌های انگلیسی و فرانسه و آلمانی و ... و حتی زبان عربی که الفبایش در فارسی پذیرفته شده،

پیچیده‌تر و منحصر به فرد ساخته است؛ به طوری که نه فقط دانش‌آموزان بلکه دانشجویان و تحصیل‌کردگان دانشگاهی همواره در خطر غلط نویسی کلماتی که با این حروف نوشته می‌شوند هستند، چنان که هنوز هم نمونه‌هایش را در املاهای ویژه‌هایی چون انضباط (انطباط) وهله (وحله)، مزبور (مذبور) توجیه (توجیح)، منضم (منظم) و ..... می‌بینیم؛ بنابراین درس املا و آموزش این درس در زبان فارسی با آن چه در زبان‌های دیگر معمول است، بسیار متفاوت است؛ به همین جهت تکرار و استمرار تدریس آن در سطوح مختلف تحصیلی – البته با رعایت میزان پیشرفت مخاطبان و نوع آموزش – ضروری است.

در جدول زیر سه گروه از گروه‌های ششگانه آمده است:

ردیف	گروه	مثال‌ها (درست)	مثال‌ها (نادرست)	ملاحظات
۱	«ء»	آخرت – انس – شأن – لئیم – منشأ – عامی – عبد – سعد – معین – منع	عآخرت ... لعیم ... آمی ... مئین	حرف‌های همزه «ء» و «ع» نماینده‌ی واج یا صدای /ع/ هستند. برای نوشتن کلماتی که دارای همزه‌ی آغازی هستند، از حروف «الف» استفاده می‌شود.
۲	«ت» و «ط»	تربیت – متین – ثابت – طراوت – طالب – بساط – اتاق – تهران – توس – تابر – بلیت – تیش	طربت ... ... تراوت ... اطاق ... طایر	حرف‌های «ت» و «ط» نماینده‌ی واج و صدای /ت/ هستند. در گذشته، برای نوشتن این‌گونه کلمات، مردم بیشتر به حرف «ط» گرایش داشته‌اند اما امروز با حرف «ت» بهتر است. به جز اسم‌های خاص که باید مطابق با شناسنامه‌ی افراد باشد.
۳	«ث» و «س» و «ص»	ثانی – تمثیل – ثالث – ساحل – رسم – انیس – صدیق – عصر – مخصوص	... سامن – سامن ... ساحل – ثاحل ... صدیق – ثدیق	حرف‌های «ث» و «س» و «ص» نماینده‌ی واج و صدای /س/ هستند.

## خلاصه‌ی درس بیست و یکم

● منظور از گزینش املائی تشخیص کاربرد صحیح حروفی است که دارای واج یکسان هستند.

● برای تشخیص گزینش‌های صحیح املائی، می‌توان از راه‌های دیدن شکل صحیح کلمات، شناختن هم ریشه و هم خانواده بودن کلمات و توجه به معنای کلمات استفاده نمود.

● حروف ششگانه عبارت اند از :

۱- «ء» و «ع»

۲- «ت» و «ط»

۳- «ث» و «س» و «ص»

۴- «ح» و «ه»

۵- «ز» و «ذ» و «ض» و «ظ»

۶- «ق» و «غ»

● حرف همزه اگر آغازی باشد در خطّ فارسی به شکل (ا) نوشته می‌شود و اگر میانی و پایانی باشد هم شکل و هم واج آن خاصّ عربی است.

● در گذشته مردم بیشتر به حرف «ط» گرایش داشته‌اند اما امروز نوشتن کلماتی مانند تهران و توس باحرف (ت) بهتر است.

● حرف «س» با واج /س/ مشترک فارسی و عربی است و حرف‌های «ث» و «ص» خاصّ کلمه‌های عربی است.

اکثر غلط‌های املائی ناشی از گزینش‌های نابه‌جاست، نه ناقص و غلط نوشتن حرفی از حروف یک کلمه.

## خلاصه‌ی پیاموزیم

در زبان فارسی کلماتی وجود دارند که به دو شکل نوشته شده است. در املائی آن‌ها هر شکل را گزینش کنیم درست است؛ مثال :

آذوقه و آزوقه / حوله و هوله / ارابه و عرابه / زغال و ذغال /

هر دو شکل املائی این کلمات درست است هر چند که گروه اوّل آن‌ها رواج

بیشتری دارد.

## \* پاسخ خودآزمایی‌های درس بیست و یکم

- ۱- الم و درد/ عَلم و پرچم / اسیر و گرفتار / عسیر و دشوار / اثیر و کره‌ی آتش / متبوع و پیروی شده / مطبوع و دل‌پذیر / مطبوع و چاپ شده /
- ۲- گروه «ه» و «ع» ← الیم و علیم  
گروه «ت» و «ط» ← باتری و باطل  
گروه «س»، «ث» و «ص» ← ثابت، سالم و صادق
- ۳- زیرا امکان خطا در گزینش و انتخاب دو برابر می‌شود؛ مثلاً اگر به ما بگویید بنویس «ثابت»؛ از بین سه حالت، باید یکی را انتخاب کنیم؛ ثابت، صامت، سابت؛ اما در گروه دو حرفی این خطا کم‌تر می‌شود؛ یعنی از دو شکل، یک شکل را انتخاب می‌کنیم؛ عَلم و الم

## \* خودآزمایی‌های نمونه

- ۱- با توجه به معنی، املائی کدام کلمه نادرست است؟  
الف) کارِ صواب      ب) عینِ ثواب  
پ) راهِ صواب      ت) به دست آوردنِ ثواب
- ۲- با توجه به گروه کلمه‌ها، املائی درست کدام است؟  
الف) الیم و آگاه      ب) عصیر و سخت  
پ) عَلم و درد      ت) ثواب و پاداش
- ۳- املائی کدام گروه کلمه نادرست است؟  
الف) عنیر و کره‌ی آتش      ب) مطبوع و چاپ شده  
پ) اسیر و گرفتار      ت) مطبوع و دل‌پذیر
- ۴- با توجه به واژه‌ی داده شده، گروه کلمه‌های زیر را تکمیل کنید:  
متابعت و ..... / فرومایه / ضمائم و ..... / ..... و غریزه / مؤسس و ..... / .....  
و مزخرف / ..... و یاد شده / تعلل و ..... / صواب و ..... / ..... و ثواب / ..... و محتوا /  
غالب ..... / قالب و ..... /
- ۵- کدام گزینه درست است؟  
الف) چاه ضلالت      ب) صفات مضموم  
پ) حوضه‌ی ادبیات      ت) استبل سطوران

- ۶- کدام گزینه از نظر املائی درست است؟  
 الف) پهلوان نوحواسته (ب) گردِ برخاسته  
 پ) خاسته‌های نفسانی (ت) حوادث ناخاسته
- ۷- کدام گزینه درست نوشته شده است؟  
 الف) مطربی و مسخره‌گی (ب) ابتدال و بیهوده‌گی  
 پ) دیدگان پرفروغ (ت) نوای بیچاره‌گان
- ۸- کدام گروه کلمه درست است؟  
 الف) مایه‌ی ظرف شویی (ب) مایه‌ی عبرت  
 پ) مایع حیات (ت) درون مایع هنری
- ۹- کدام واژه دو املائی نیست؟  
 الف) ارآبه و عرآبه (ب) تاس و طاس  
 پ) مزبور و مذبور (ت) زغال و ذغال
- ۱۰- املائی کدام گروه کلمه درست نیست؟  
 الف) عادت معلوف (ب) تخصص و تبحر  
 پ) مجذوب و مرعوب (ت) حازم و دور اندیش



## مقاله نویسی (۱)

### اهداف کلی

- ۱- آشنایی با قالب نگارشی مقاله و ویژگی‌های آن.
- ۲- آشنایی با بخش‌های مختلف مقاله و مراحل تهیه‌ی آن.

### اهداف جزئی

- ۱- توانایی تهیه و نگارش مقاله.
- ۲- آشنایی با ویژگی‌های مقاله.
- ۳- توانایی رعایت مراحل نگارش مقاله.
- ۴- آشنایی با انواع مقاله به تناسب موضوع و مخاطب.
- ۵- توانایی استفاده از منابع و مآخذ معتبر در تهیه‌ی مقاله.
- ۶- توانایی گسترش موضوع مقاله با طرح سؤال.
- ۷- مطالعه‌ی نمونه مقالات ممتاز و برجسته در موضوعات و شیوه‌های گوناگون.

### منابع

- کتاب کار نگارش و انشاء (۲) دکتر حسن ذوالفقاری - نشر اساطیر - تهران چاپ اول ۷۷
- از فن نگارش تا هنر نویسندگی، دکتر حسن احمدی گیوی - وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی - ۱۳۷۴
- آیین پژوهش و مرجع‌شناسی - دکتر حسن احمدی گیوی - نشر هما - تهران ۱۳۷۳

### روش‌های تدریس پیشنهادی

- الگوی دریافت مفهوم
- الگوی همیاری

## نکات اساسی درس بیست و دوم

- تعریف مقاله.
- بیان ویژگی‌های مقاله‌ها.
- بیان انواع گوناگون مقاله‌ها. تقسیم بندی مقاله‌ها بر اساس چگونگی تهیه.
- شرح و توضیح مقاله‌های پژوهشی و تحقیقی.
- توضیح مقاله‌های توصیفی (تشریحی).
- توضیح مقاله‌های تحلیلی.
- تقسیم بندی مقاله‌ها بر حسب لحن و نوع بیان.
- توضیح مقاله‌های جدی و انتقادی.
- رسم نمودار انواع مقاله‌ها.
- بیان خصوصیات یک مقاله‌ی خوب.
- بیان چگونگی مراحل تهیه‌ی مقاله.
- بیان قسمت‌های مختلف یک مقاله.

### □ مقاله چیست؟<sup>۱</sup>

مقاله، کلمه‌ی عربی است به معنی گفتن، از ریشه‌ی قول و در اصطلاح نوشته‌ای درباره‌ی موضوع خاص است و شامل انواع گسترده‌ای از نوشته‌های علمی و ادبی و تحقیقی و مذهبی و انتقادی و جز آن‌هاست و نوشته‌هایی که در قلمرو جهان و طبیعت از دریا و کوه و جنگل و . . . یا مسائل و پدیده‌های زندگی چون خانه و مدرسه و اداره و خیابان و صدها و هزارها مسأله‌ی دیگر، نگاشته می‌شود.

### خصوصیات مقاله‌ها<sup>۲</sup>

- برای مقصود و هدف خاص نوشته می‌شوند.
- به طور متوسط از حدود ۳۰۰۰ کلمه تشکیل می‌شود (حجم و اندازه‌ی آن‌ها را بین ۵۰۰ تا ۵۰۰۰ کلمه دانسته‌اند).
- از طرحی مشخص و نظم و حرکتی منطقی پیروی می‌کند.

۱- از فن نگارش تا هنر نویسندگی، دکتر احمدی گبوی

۲- کتاب کارِ نگارش و انشاء (۲) - ج ۲ دکتر حسن ذوالفقاری ص ۲۳

- میان بخش‌های مختلف آن هماهنگی و ارتباط وجود دارد.
- درباره‌ی یک موضوع خاص تدوین می‌شود و اطلاعات تازه‌ای ارائه می‌دهد.
- در نگارش آن از منابع و مآخذ معتبر استفاده می‌شود.

- و .....

بنابراین به طور خلاصه می‌توان گفت: مقاله قالب نگارشی است که برای مقاصد خاصی تهیه می‌شود و مثل هر نوشته‌ای انواع گوناگون دارد؛ مثلاً به اعتبار موضوع شامل انواع زیر است:

- ۱- اجتماعی ۲- اخلاقی و تربیتی ۳- دینی ۴- ادبی ۵- فلسفی ۶- عرفانی ۷- علمی
- ۸- سیاسی ۹- ورزشی ۱۰- آموزشی ۱۱- تاریخی ۱۲- هنری ۱۳- .....

زبان نگارش مقاله، به تناسب موضوع و مخاطب می‌تواند انواعی داشته باشد: روزنامه‌ای، ادبی، علمی، کودکانه و ..... حجم مقالات نیز متفاوت است؛ از مقالات کوتاه گرفته تا مقالات بلند. البته باید در نظر داشت معمولاً حجم مقالات بین ۵۰۰ تا ۵۰۰۰ کلمه است؛ مطلبی کم‌تر از این میزان را نمی‌توان مقاله دانست و بیشتر این مقالات بر اساس چگونگی تهیه به چند دسته تقسیم می‌شوند:

۱- مقالات پژوهشی و تحقیقی

۲- مقالات توصیفی

۳- مقالات تحلیلی

**الف) مقالات پژوهشی و تحقیقی:** اساس تهیه‌ی این گونه مقالات آزمایش، تحقیق، تجربه، آمار و اسناد بر پایه‌ی منطق و استدلال است و حدس و گمان، احساس و تخیل در آن‌ها جایی ندارد؛ مثلاً می‌خواهیم درباره‌ی «عوارض بدخوانی بر بدفهمی» مقاله‌ای بنویسیم. اساس این مقاله را یک پژوهش آماری تشکیل می‌دهد و برای نوشتن آن باید از شیوه‌های گوناگون جمع‌آوری اطلاعات مثل مطالعه، پرس و جو و مشاهده به خوبی بهره بگیریم تا بتوانیم این فرض را ثابت کنیم. به همین ترتیب است تهیه‌ی مقالاتی درباره‌ی «تأثیر آلودگی محیط بر روح و روان» و یا «اثرات مطالعه در نگارش صحیح» و .....

دقت، امانت، سادگی بیان، منطق و استدلال از ویژگی‌های اصلی این گونه مقالات است.

**ب) مقالات توصیفی (تشریحی):** در این گونه مقالات نویسنده می‌کوشد تا با دقت و موشکافی و شرح دقیق صحنه‌ها و وقایع و حوادث و مسائل، زشتی‌ها و زیبایی‌ها را برای خواننده مصور سازد.

**پ) مقالات تحلیلی:** در برخی از مقالات سیاسی، اجتماعی یا ادبی و هنری، صرفاً باتکیه بر ذهن و احیاناً مطالعه‌ی برخی منابع دست به نگارش می‌زنیم. آمار، آزمایش، تجربه، نمونه برداری در

این گونه مقاله‌ها کم‌تر دخالت دارد.

مقالات برحسب لحن و نوع بیان به دو دسته تقسیم می‌شوند:

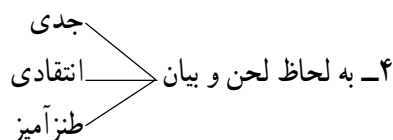
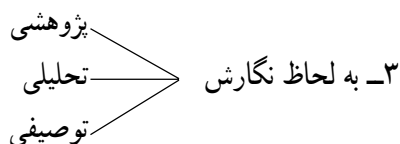
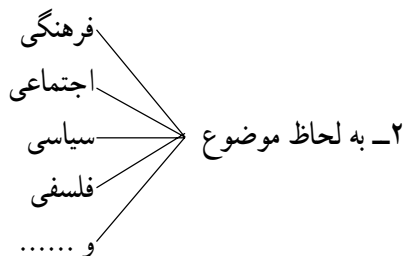
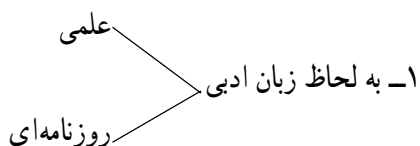
۱- مقالات جدی: که بر اساس استدلال و منطق یا تحقیق نوشته می‌شود.

۲- مقالات انتقادی: که درباره‌ی نیک و بد یک موضوع اجتماعی، سیاسی، هنری، ادبی

و ..... به دور از اغراض و سلیقه‌های شخصی ارزیابی، نقد و داوری می‌شود.

برخی از مقالات انتقادی به شیوه‌ی طنز و بالحن فکاهی حقایق و مسائل مختلف را منعکس

می‌سازند. پس، به طور خلاصه انواع مقاله چنین است:



مراحل تهیه‌ی مقاله

۱- انتخاب موضوع.

۲- مطالعه‌ی دقیق موضوع.

۳- تفکر درباره‌ی موضوع.

۴- جمع آوری اطلاعات.

۵- طرح مقاله.

۶- یادداشت برداری.

۷- تنظیم یادداشت.

۸- نوشتن بندها بر اساس یادداشت‌ها و طرح اولیه‌ی مقاله.

۹- بازخوانی و اصلاح و ویرایش مقاله.

۱۰- پاک نویسی کردن.

۱۱- ذکر منابع و مأخذ.

### قسمت‌های مختلف یک مقاله

۱- عنوان.

۲- فهرست.

۳- مقدمه.

۴- متن.

۵- نتیجه.

۶- منابع و مأخذ.

نویسنده‌ی مقاله باید از شرایط و ویژگی‌های زیر برخوردار باشد:

۱- آزاد اندیشی، استقلال رأی و شجاعت در بیان مطالب.

۲- تسلط و آگاهی به موضوع.

۳- صداقت و راست گفتاری و رعایت اصول اخلاقی (پرهیز از تمسخر، چاپلوسی، توهین،

غرض ورزی).

۴- رعایت امانت در نقل مطالب.

۵- دقت و توجه.

هنگام نوشتن مقاله، می‌توانیم با طرح سؤالات متعدّد آن را گسترش داده، برای پاسخ دادن به

سؤالات به منابع و مأخذ لازم در این زمینه مراجعه نماییم و سپس یادداشت برداری کنیم. در این

مرحله می‌توانیم از افراد آگاه یا معلمان خود کمک بگیریم.

کار یادداشت برداری را تا مراجعه به همه‌ی منابع اساسی ادامه می‌دهیم. پس از آن، یادداشت‌ها

را تنظیم می‌کنیم؛ مثلاً درباره‌ی تفاوت ایهام و مجاز پنج فیش گرد آورده‌ایم، آن‌ها را باهم مقابله می‌کنیم، سپس حاصل را می‌نویسیم.

اگر میان دو فیش اختلاف نظری بود، آن را هم ذکر می‌کنیم. گاه عین فیش و گاه حاصل برداشت شخصی خودمان را نقل می‌کنیم. به هر حال، پس از آن که در چار چوب اصلی، مطالب هر بخش و فصل را نگاشتیم، یک بار دیگر آن را جهت پالایش و ویرایش می‌خوانیم. پس از پاک نویسنده مقاله و کنترل صحّت منابع و مآخذ و تهیّی فهرست‌ها و تصاویر مورد نیاز، با عنایت به آن چه گفته شد، مقاله را به پایان می‌بریم. در این مرحله می‌توانیم نام مناسبی برای مقاله‌ی خود، انتخاب کنیم. اکنون با توجه به آن چه گفته شد، مقاله‌ای درباره‌ی «نقش کنایه در زیبایی سخن» تهیّی می‌کنیم. پس از انتخاب موضوع، درباره‌ی عنوان دقیق موضوع و ابعاد آن می‌اندیشیم و با طرح چند سؤال موضوع را گسترش می‌دهیم:

- کنایه چیست؟
  - تأثیر کنایه در زیبایی نوشته تا چه میزان است؟
  - کاربرد کنایه در کجاست؟
  - ویژگی‌های کنایه چیست؟
  - تفاوت کنایه با ایهام و مجاز، تمثیل و ضرب المثل چیست؟
  - سیر تحوّل کنایه تا چه اندازه است؟
- می‌توانیم این سؤالات را به کمک دوستان یا معلّم خود طرح کنیم. در مراحل بعد نیز ممکن است سؤالات دیگری مطرح شود. اکنون برای یافتن پاسخ‌هایی به این سؤالات باید ابتدا منابع و مآخذ را در این زمینه بشناسیم و سپس یادداشت برداری کنیم.
- در این مرحله نیز می‌توانیم از افراد آگاه یا معلّمان خود کمک بگیریم. ابتدا به کتاب فرهنگ علوم ادبی - بلاغی (دکتر ابوالقاسم رادفر) مراجعه و ذیل کنایه، منابع دقیق آن را یادداشت می‌کنیم. این منابع عبارت‌اند از:

- کنایه نقاشی زبان، دکتر تقی وحیدیان کامیار. نامه‌ی فرهنگستان، ش ۸، زمستان ۷۵،

۵۴-۶۹

- صور خیال در شعر فارسی، دکتر محمد رضا شفیعی کدکنی، تهران، آگاه، ۱۳۶۶، ص

۱۴۰، ۱۴۱

- بیان، دکتر سیروس شمیسا، انتشارات فردوس، تهران، ۱۳۷۰

- آرایه‌های ادبی، روح... هادی، وزارت آموزش و پرورش، ص ۱۱۵

- زیبایی‌شناسی سخن فارسی (بیان)، میر جلال الدین کزازی، چ دوم نشر مرکز، تهران ۱۳۷۰  
 – فنون و صنایع ادبی، جلال الدین همایی، انتشارات توس، تهران، ۱۳۶۳  
 – و .....

با مراجعه به این منابع و مطالعه‌ی دقیق آن‌ها یادداشت برداری را آغاز کرده برای هر یک از عناوین فرعی یادداشت‌هایی تهیه می‌کنیم. یکی از یادداشت‌های فراهم آمده چنین است:

فصل‌نامه‌ی نامه فرهنگستان نوشته‌ی: دکتر تقی وحیدیان کامیار ترجمه: – ناشر: فرهنگستان زبان و ادب نوع یادداشت: مستقیم <input type="checkbox"/> تلخیص <input checked="" type="checkbox"/> ترجمه <input type="checkbox"/>	مجله. کتاب مبحث: ایهام تاریخ نشر: ۱۳۷۵ موضوع کلی: نقش ایهام در زیبایی سخن جلد: ۸ صفحه: ۵۹ موضوع جزئی: تفاوت ایهام و کنایه
<p>نخستین ویژگی کنایه دو بعدی بودن آن است: یکی معنی نزدیک یعنی تصویری که ملازم معنی مراد است؛ دیگری معنی دور یعنی خود معنی مراد.</p> <p>سعدی می‌گوید:</p> <p>چرا گوید آن چیز در خفیه مرد      که گر فاش گردد شود روی زرد</p> <p>تعبیر زرد روی شدن ابتدا مردی با چهره‌ی زرد را به ذهن می‌آورد؛ سپس شرمساری او را می‌رساند. ایهام نیز بیش از یک بُعد دارد اما در آن، به خلاف کنایه، یکی از معانی ملازم معنای دیگر نیست. از مقایسه‌ی کنایه‌های یاد شده با این ایهام سعدی، تفاوت آشکار می‌شود:</p> <p>آن آب که دوش تا کمر بود      امشب بگذشت خواهد از دوش</p> <p>دوش دو معنا دارد: شانه و دیشب، بی‌آن‌که یکی از معانی ملازم دیگری باشد. تفاوت دیگر این است که در کنایه ذهن از معنی نزدیک (ملازم) معنی اصلی را درمی‌یابد اما در ایهام چنین نیست. تفاوت‌های دیگر نیز میان کنایه و ایهام وجود دارد.</p>	

## خلاصه‌ی درس بیست و دوم

● مقاله قالب نگارشی است که برای مقاصد خاصی تهیه می‌شود و مثل هر نوشته انواع گوناگون دارد.

- مقاله‌ها برای هدف و مقصود خاصی نوشته می‌شوند.
- از نظمی خاص و طرحی مشخص و سیری منطقی پیروی می‌کنند.
- بین بخش‌های مختلف آن‌ها هماهنگی و ارتباط وجود دارد.
- در تهیه‌ی آن‌ها از منابع و مأخذ معتبر استفاده می‌شود.
- حجم مقاله‌ها بین ۵۰۰ تا ۵۰۰۰ کلمه است.
- مقاله‌ها بر اساس چگونگی تهیه به چند دسته تقسیم می‌شوند:

۱- مقالات پژوهشی و تحقیقی ۲- مقالات توصیفی (تشریحی) ۳- مقالات

### تحلیلی

● اساس تهیه‌ی مقاله‌های پژوهشی و تحقیقی، آزمایش، تحقیق، تجربه، آمار، اسناد و منطق و استدلال است و حدس و گمان، احساس و تخیل در آن‌ها جایی ندارد.

● در مقالات توصیفی (تشریحی) نویسنده با دقت و موشکافی و شرح دقیق صحنه‌ها و بیان وقایع، زشتی‌ها و زیبایی‌ها را برای خواننده مصور می‌سازد.

● در مقالات تحلیلی با تکیه بر ذهن دست به نگارشی می‌زنیم و آمار، آزمایش و تجربه در این گونه مقاله‌ها کم‌تر دخالت دارد.

● مقالات بر حسب لحن و نوع به دو دسته‌ی جدی و انتقادی تقسیم می‌شوند.

● تهیه‌ی مقاله مراحل خاصی دارد که با انتخاب موضوع شروع و با ذکر منابع و مأخذ پایان می‌یابد.

● قسمت‌های تشکیل دهنده‌ی مقاله عبارت است از: عنوان، فهرست مطالب، مقدمه، متن مقاله، نتیجه و منابع و مأخذ.

● نویسنده‌ی مقاله ضمن تسلط و آگاهی به موضوع باید آزاد اندیش و راست گفتار و امین باشد.



## \* پاسخ خودآزمایی‌های درس بیست و دوم

۱- فعالیت دانش آموزی است. برای نمونه یکی از موضوعات انتخاب می‌شود: داستان

نویسی

- براهنی، رضا، قصه نویسی، انتشارات اشرفی، ۱۳۴۸
  - - کیمیا و خاک، نشر مرغ آمین، ۱۳۶۲
  - سپانلو، محمد علی، اعتلای رمان نویسی در ایران، کتاب جمعه، ۱۳۵۸
  - - نویسندگان پیشرو ایران، زمان، ۱۳۶۲
  - گلشیری، هوشنگ، سی سال رمان نویسی، جنگ اصفهان، تابستان ۴۶
  - میر صادقی، جمال، قصه، داستان کوتاه، رمان، انتشارات آگاه، ۱۳۶۰
  - - عناصر داستان، انتشارات شفا، ۱۳۶۴
  - یونسی، ابراهیم، هنر داستان نویسی، انتشارات سهروردی، ۱۳۶۹
  - عابدینی، حسن، صد سال داستان نویسی در ایران، نشر تندر، ۱۳۶۹
- ۲- هر دانش آموزی به دلخواه می‌تواند درباره‌ی یکی از موضوعات برگه نویسی کند.

## \* خودآزمایی‌های نمونه

- ۱- از چه طریق می‌توان به منابع مورد نیاز دست پیدا کرد؟
- ۲- قسمت‌های مختلف مقاله را نام ببرید.
- ۳- چهار مرحله از مراحل تهیه‌ی مقاله را بنویسید.
- ۴- با فعل‌های زیر اسم مشتق بسازید.  
خورد - پوشید - خرید - نوشتم - فروختی
- ۵- قسمت‌های تشکیل دهنده‌ی یک مقاله را نام ببرید.
- ۶- درباره‌ی یکی از موضوعات زیر مقاله‌ای بنویسید:
  - با همه‌ی رشد و گسترش کامپیوتر، هنوز «کتاب» جایگاه مهمی در جامعه دارد.
  - هنر نقاشی در ایران
- ۷- با طرح چند سؤال، پایه‌ی مقاله‌ای درباره‌ی «ورزش» را آماده کنید.